

# مجموعه مصنفات

## حکیم موسی آفاعی مدرس طهرانی

جلد دوم:  
رسائل و تعلقات

مقدمه هاشمی، تصحیح و تحقیق

محسن کدیور



انتشارات اطلاعات  
تهران - ۱۳۷۸

کدیور، محسن، ۱۳۷۸ -  
مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آفاعی مدرس طهرانی  
(۱۲۲۴-۱۳۰۷) / مقدمه، تنظیم، تصحیح و تحقیق محسن کدیور ..  
تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸.  
۲ ج: عکس.  
مندرجات: ج ۱. تعلیقات اسنار - ج ۲. رسائل و تعلیقات - ج ۳. رسائل  
فارسی، تقریظات، قطعات، تعلیقات نقایه، تقریرات و مناظرات،  
کتابخانه مؤسسه اطلاعات.

B

۱۸۹۱

۴۱۵م

کتابخانه مؤسسه اطلاعات



کدیور، محسن

مجموعه مصنفات حکیم موسی آفاعی مدرس طهرانی

جلد دوم: رسائل و تعلیمات

چاپ اول: ۱۳۷۸

تعداد: ۲۱۵۰ نسخه

هزار و پنجاه، چاپ و صحابی، مؤسسه اطلاعات

همه حقوق محفوظ است

شامل ۶-۴۱۴-۴۲۳-۹۶۴ (جلد ۲)

ISBN 964 - 423 - 412 - X (3 vol. set) شامل X - ۴۱۲ - ۴۲۳ - ۹۶۴ (دوره ۳ جلدی)

## فهرست اجمالي

١٣

### مقدمة

#### القسم الأول: الرسائل العربية

٦٧

١- رسالة في التوحيد

٨٥

٢- رسالة بسبيل الرشاد في ثبات المعاد

١٤٣

٣- رسالة في الوجود الرابط

١٩٣

٤- رسالة لـى باحث العمل

٢٧١

٥- تعليلات الشوادرية

٣١٣

٦- تعليلات على شرح الهدایة الابریة

٣٤١

٧- تعليلات على حواشی الہیات الشفاء

٣٥٣

٨- تعليلات على حواشی شرح حکمت الاشراق

٣٧٣

الصنف الثاني: تعليلات على كتب الفیاض الاهیجی

٤٩١

٩- تعليلات شورق الالهام

١٠- تعليلات على حواشی شرح الاشارات

- الصفح الثالث: تعلیقات علی کتب والده المدرس الزنوزی  
۱۱- تعلیقات علی حواشی والده علی حواشی عبدالرزاق الایمیجی علی شرح التجربه  
۵۰۱
- ۱۲- تعلیقات لمعات الهیه  
۵۰۷
- الصفح الرابع: تعلیقات مختصرة اخري  
۱۳- تعلیقة علی حاشیة الاتصال الدین الخواساری علی حواشی الخفری علی شرح التجربه الفوشنجی  
۵۲۷
- ۱۴- تعلیقة علی حاشیة رسالتہ سر القدر  
۵۳۱
- نمايداها  
۵۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على خاتم الأنبياء محمد و على أهل بيته الطاهرين  
جلد دوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقاضی مدرس طهرانی شامل چهار  
رساله عربی و تعلیقات برده کتاب فلسفی است. در این مقدمه پس از اشاره‌ای گذرا به احوال  
آقاضی به مشخصات عمومی این چهارده اثر و نحوه تنظیم آنها می‌پردازیم، سپس در باره‌هی  
اثر نکات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد؛ عنوان اثر، چگونگی معرفی آن در مجموعه‌های  
کتاب‌شناختی، مشخصات کامل تسبیه‌های خطی، پیشینه‌چاپ، بررسی نحوه انتساب به  
آقاضی و بالاخره تحلیل محتواهی هر اثر.

### حکیم مؤسس در یک نگاه<sup>۱</sup>

نام: آقاضی مدرس طهرانی

القب: حکیم مؤسس، استاد الاستادی، حکیم الهی

تاریخ تولد: ذی قعده ۱۲۳۴ هجری قمری (۱۱۹۷ هجری شمسی، ۱۸۱۸ میلادی)

<sup>۱</sup>. در مقدمه مجموعه در آغاز چند لرل به تفصیل در باره‌احوال و آثار آقاضی بحث کردایم.

مهمنتین آثار: بدایع الحکم، تعلیقات الاسفار، رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد، رساله فی مباحث الحمل، رساله فی الوجود والرابط، تعلیقات الشوارق.

مهمنتین ابتکارات فلسفی؛ رأی تازی یا تقریر جدید در مباحث: معاد جسمانی، اعتبارات ماهیت، حمل، وجود رابط، علم، معقولات نایبی فلسفیه، حرکت جوهری و موضوع آن، عوارض ذاتی در بحث موضوع علم، اصالت وجود، پساطت وجود، تشکیک وجود، وجود صرف بودن نفس و مافق آن، اتحاد وجودی اعراض با موضوعات، اتمیت نظام عالم امکان، حرکت روح در آخرت، اتحاد قوس صعودی با قوس نزولی.

امتیازات فلسفی: ۱- صاحب ابتکار در چندین مسئله فلسفی و برآمدهن و تقریرات تازه در بیش از ده مسئله فلسفی.

۲- از چیره دست ترین شارحان آراء صدر المتألهین و مبانی حکمت متعالیه.

۳- بدایع الحکم پس از اسفر مهمنتین کتاب حکمت متعالیه و از مهمنتین کتب فلسفی به زبان فارسی است.

۴- اولین کام در فلسفه مقایسه‌ای بیان تفکر شرق و غرب در ایران.

جایگاه علمی: پس از صدر المتألهین، به همراهی ملاعی نوری، حاج ملاهادی سیزوواری، آقامحمد رضا قمشه‌ای یکی از پنج چهره شاخص حکمت متعالیه محسوب می‌شود، بلکه از زاویه برهانی پس از ملا صدر امهمتنین فیلسوف پنجم قرن اخیر جهان اسلام است.

### رسائل عربی و تعلیقات فلسفی

جلد اول مجموعه مصنفات حکیم مؤسس یک سره به تعلیقات اسفر اختصاص یافت. طبیعی است که جلد دوم را بار سائل اسفرای که تعلیقات بلندبرآمده از این «کتاب مستطاب»<sup>۱</sup> هستند، آغاز کنیم؛ یعنی «رساله فی التوحید» و «رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد». فارغ از ترتیب مواضع این دو تعلیقه در اسفر، شروع این جلد را با مباحث مبدء و

۱. آنعلیٰ غالباً از اسفر این تبییر در آثار خود پاد کرده است.

### محل تولد: اصفهان

نام پدر: ملا عبدالله مدرس زنوزی (متوفی ۱۲۵۷ هـ ق. تهران)  
تاریخ وفات: ۱۷ ذی قعده ۱۳۰۷ هجری قمری (۱۲۶۸ هجری شمسی، ۱۸۸۹ میلادی) تهران.

مدفن: شهری، بین مرقد حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه.  
استادی: ملا عبدالله مدرس زنوزی (معقول و منقول)، میرزا محمد حسن نوری، ملا آقا قزوینی، سید رضی لاریجانی، ملام محمد جعفر لاہیجی لنگرودی، حاج محمد ابراهیم نقشه‌فروش و میرزا حسن آشتیانی (منقول).

حوزه‌های تحصیل: تهران (مقدمات، منقول، معقول)، عتبات (منقول)، اصفهان (معقول)، قزوین (معقول)، تهران (منقول).

تلریس: حوزه تهران، حدود ۴۰ سال، (از جمله مدرسه قاسم خان، مدرس رسمی مدرسه سپهسالار بیش از ۲۰ سال)

مواد درسی: حکمت متعالیه (اسفار، شرح الهدایه الائیریة، الشواهد، الهیات شفا، العبد و المعاد، شرح حکمة الاشراق)، کلام، ریاضیات، فقه استدلالی.

مهمنتین شاگردان: میرزا محمد باقر اصطهباناتی، حیدرقلی خان قاجار نهادنی، میرزا حسن کرمانشاهی، میرزا هاشم اشکوری، میرزا علی اکبر حکمی یزدی، شیخ غلامعلی شیرازی، شیخ علی نوری، میرزا طاهر تنکابنی، میرزا الططف على صدر الافاضل، ملانظر علی طالقانی، شیخ عبدالنبي مازندرانی، میرزا حسن آشتیانی.

خصوصیات ظاهری: قصیر القامة، صغیر الجبهه.

اخلاق و منش: متواضع، مهذب، اشتغال دائمی به عبادات و سنن، مشهور به نظر صائب در استخاره به قرآن کریم و اخبار از ضمیر.

حکماء معاصر: حاج ملاهادی سیزوواری (م ۱۲۸۹)، آقامحمد رضا قمشه‌ای (م ۱۳۰۶)، میرزا ابوالحسن جلوه (م ۱۳۱۴) میرزا حسین سیزوواری.

دیگر معاصران: شیخ آقا بزرگ طهرانی، بدیع الملک میرزا، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، حاج محمد کریم خان کرمانی، کنت دو گویندو، ناصر الدین شاه قاجار.

معد مغتنم داشتیم، «رساله فی الوجود الرابط» و «رساله فی مباحث الحمل» در رساله‌دیگر فلسفی حکیم مؤسّس را در دنبال آوریدیم. فارغ از این چهار رساله فلسفی عربی، دو تعلیقۀ پانزده «فی العلة والمعلول» و «فی طریقة الصدیقین» را در ضمن جلد اول و در قالب تعلیقۀ ذکر کردیم، چرا که نه در بیان آقایانی و نه در کلمات شاگردانش عنوان رساله را نیافرته بودند، اگرچه چنین صلاحیتی را داشتند. تعلیقۀ «فی ان النفس كل القوى» نیز کوتاه‌تر از آن بود که نام رساله به خود بگیرد. رسائل باقیمانده حکیم مؤسّس در فلسفه (که یاده‌بان فارسی است، یا حداقل بخشی از آن فارسی است) به لحاظ اعتبار استناد در سطح رسائل اربعه‌عربی نیستند، لذا ترجیح دادیم جلد دوم مجموعه مصنفات را با در رساله اول که به لحاظ کثرت بخش خطی در میان آثار حکیم مؤسّس بی مانند هستند، همراه با در رساله‌آخر که پس از بدایع الحكم و تعلیقات الاسفار از مهمترین آثار مدرس طهرانی به حساب می‌آید، آغاز کنیم.

تمامی تعلیقات آقایانی بر کتب فلسفی در این مجلد گردآوری شده است. شرح اسرار الآیات ملاصدراً مقدمه‌فرانزرفته و تقریظ مقاینه‌غیب نیز در عدد این تعلیقات قرار نمی‌گیرند. این تعلیقات فلسفی را به چهار صفت تقسیم کردیم. صفت اول به تعلیقات آثار صدر المتألهین اختصاص یافته، در صفت دوم تعلیقات آثار فیاض لاهیجی آمده است. تعلیقات شوارق الالهام مفصل‌ترین آثار این جلد در این صفت قرار دارد. در صفت سوم تعلیقات آثار والد مکرم آقایانی، مدرس زیوزی گرد آمده، تعلیقات لمعات الهیه تهاالت فارسی این مجلد است. وبالآخره صفت چهارم به دو تعلیقه مختص آقایانی اختصاص یافته است. به استثنای تعلیقات الشواهد الربوبیة و تعلیقات شوارق الالهام، نسخه اصل دیگر تعلیقات به خط حکیم مؤسّس در دست است و این نکته به اعتبار آثار این مجلدی افزاید. در دنبال، مشخصات و محتوای هر یک از چهارده آثار این مجلد را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### ۱. رساله فی التوحید

دیگر عنوانی دیگر این رساله عبارتند از «رساله فی مسئلة التوحيد»، «الرسالة التوحيدية» و «رساله توحیدیة». از این رساله شش نسخه خطی به شرح ذیل شناسایی کرده‌ایم:

نسخه اول: مجموعه خطی شماره ۵۵۸۸ کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی در قم (صفحه ۱۲۶ تا ۱۳۶) تاریخ کتابت جمادی‌الآخری ۱۲۹۴ هـ.ق. نام کاتب مشخص نیست. (ش)

نسخه دوم: مجموعه خطی شماره ۱۱۰ کتابخانه مدرسه علمیه ولی‌عصر (عج) خوانسار، کاتب: محمدعلی شریف خوانساری، تاریخ کتابت بین ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۱ هـ.ق. این نسخه حاوی مقدمه‌ای فاخر و ادبیانه به سبک مقلمه‌اسفار است که توسط یکی از شاگردان آقایانی بر رشتۀ تحریر در آمده است. (خ)

نسخه سوم: مجموعه خطی شماره ۱۱۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی مجموعه سید صادق طباطبائی (ورق ۱۳۶ تا ۱۶۱)، تاریخ کتابت بین ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۶ هـ.ق. نام کاتب مشخص نیست. (ط)

نسخه چهارم: مجموعه خطی شماره ۹۶۴۴ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، کاتب: محمدعلی کرمانشاهی، تاریخ کتابت ۱۲۹۶ هـ.ق. این نسخه نیز مانند نسخه دوم حاوی مقدمه‌ای دیگر آقایانی است. (ك)

نسخه پنجم: مجموعه خطی شماره ۵۹۲ کتابخانه ملی ملک تهران، که به عنوان «احاسبه‌علی کتاب فی الحکمة» ثبت شده است. فاقد تاریخ کتابت و نام کاتب است. نخستین رساله‌این مجموعه به امر شیخ علی مدرس نوری (شیخ الشوارق) از شاگردان آقایانی و توسط یکی از شاگردان وی استنساخ شده است. در این مجموعه بخش قبلی توجهی از تعلیقات آقایانی بر اسفر نیز موجود است. تنها در این نسخه موضع این تعلیقه در اسفر مشخص شده، چرا که این رساله در حاسبه قول صدر المتألهین «هذا عینه کمسئلة التوحید هذه من غواص المسائل الالهیة»<sup>۱</sup> (الاسفار، السفر الرابع، الباب الخامس، الفصل الرابع فی ان النفس كل القوى) لگاشته شده است. (م)

نسخه ششم: مجموعه خطی شماره ۱۹۷۴۵ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، فاقد تاریخ کتابت، کاتب سید احمد صفایی صاحب کشف الاستار (متوفی ۱۳۵۹ هـ.ق.) که

در هامش آغاز آن چند سطر از او سط مقدمه پیش گفته آمده است. (ص)  
باتوجه به تاریخ کتابت نسخ شش گانه، این رساله قبل از ۱۲۹۴ هجری قمری تدوین شده، با عنایت به سه اشاره «تلک التعلیقات»، «اوائل الكتاب» و «الذی ذکرہ قدس سرہ» تعلیقۀ شمارۀ ۱۵۷۴ اسفار است که در مجلد اول مجموعه مصنفات درجای خود به آن اشاره کردیم. این تعلیقۀ بلند در زمان حیات حکیم مؤسس به صورت رساله مستقلی در آمده، مقدمه‌فاخری نیز توسط یکی از شاگردان آقائی به آن اضافه شده است. در این مقدمه از بی‌دانشی اهل زمانه گلایه شده: «من در بعضی مجالس به کسانی مبتلا هستم که در معقولات بحث می‌کنند، در حالیکه محسوسات رانی شناسند، بسیاری اوقات در مسئله توحید سخن می‌گویند، در حالیکه ندانسته آراء اشاعره و معتزله را بر زبان می‌رانند». از این رساله در آثار آقائی یاد مجموعه‌های کتابشناسی از قبیل التربیة سخنی بدین میان نیامده است. این عدم ذکر باتوجه به شمرده شدن این رساله از تعلیقات اسفرار پذیر فتنی است و با عنایت به شیوه لگارش، سطح مطلب و نیز شهادت کاتبان شناخته شده نسخ مختلف رساله از قبیل محمدعلی شریف خوانساری، محمدعلی کرمشاهی و سید احمد صفائی (که آثار دیگری از آقائی به خط آنها موجود است) تردیدی در انساب این رساله به آقائی باقی نمی‌گذارد. هر چند این رساله بالریش در گنجینه نسخ خطی از دیدگان مخفی مالده بود، «رسالة فی التوحید» برای نخستین بار سال گذشته توسط راقم این سطور بر اساس سه نسخه تصحیح و در مجله خرد نامه صیرامتشر شد<sup>۱</sup> و اکنون با اصلاح کاستی‌های آن بر اساس شش نسخه در این مجموعه توفیق لش می‌یابد.



«رسالة فی التوحید» شامل سیزده قفصل است، که از عنایین متنوع به جای فصل استفاده گرده و در هر فصل به یکی از مقدمات مسئله توحید پرداخته است. در این رساله حکیم مؤسس می‌کوشد تا تصویری عمیق، صحیح و مورد تأیید قرآن کریم از مسئله اساسی توحید ارائه کند و اندیشه‌های را از بوارهای معتزلی، اشعری، نوی، مانوی،

۱. نصلانامه خرد نامه صدر، شماره ۸، ۹ بهار، ۱۳۷۶، تهران.

- دھری، طبیعی و یهودی بالایش نماید و بنایی رفیع را بر اساس حکمت متعالیه بنیاد نهد. اگر بتوان هر فصل رساله را در یکی دو جمله خلاصه کرد، چکیده رساله را می‌توان به شکل زیر در سیزده گزاره گزارش نمود:

  - ۱- عدم از آن حیث که عدم است نه حکمی بر آن بار می‌شود، نه خبری از آن داده می‌شود.
  - ۲- ماهیت از حیث ماهویش، جز خودش نیست و همه آنچه خارج از ذات اوست از جمله وجود و عدم از ارسلب می‌شود، نه ماهیت بالذات مجعلو است و نه اتصاف ماهیت به وجود، جعل تها به وجود تعلق می‌گیرد و ماهیت بالتابع وبالعرض مجعلو می‌شود.
  - ۳- وجود، که بذاته موجود است. کثرش به وحدتش بازمی‌گردد. چرا که وجود امری بسیط است. این دو امر با هم پذیر فتنه نمی‌شوند، مگر اینکه وجود را حقیقتی تشکیکی بدانیم. جاعل... فی حد ذاته. تمامیت و حد تام مجعلو است و مجعلو حد تاقضی جاعل می‌باشد.
  - ۴- ماهیت بخلاف فقدان تقریر ذاتی- برای وقوع، فاقد اولویت ذاتیه (کافیه و غیر کافیه) است، بدون مرجح خارجی، ماهیت بیوت و تقریر نمی‌یابد.
  - ۵- ماهیت تنها در صورتی موجود می‌شود، که از جانب مرجح خارجی، «واجب» شود (الشیء مالم يجب لم يوجد) و تنها در صورتی معلوم می‌شود که از جانب مرجح خارجی، ممتنع شود، مراد، واجوب و امتناع سابق است.
  - ۶- واجوب از عوارض وجود است، نه ماهیت و نه عدم؛ عوارض وجود ذاتی عین وجودند و مفهوماً غیر وجود.
  - ۷- سریان و عدم سریان عارض، تابع سریان و عدم سریان معروض است. به این معنی که اگر یکی از عوارض، برای وجود علی الاطلاق اثبات شد، چنین عوارضی متعلق به همه وجودات است، و اگر عوارضی برای وجود صرف اثبات شد، از وجود صرف به وجودهای دیگر تجاوز نخواهد کرد، چرا که عوارض وجود دو گونه‌اند: گونه‌ای منافی وجود و وجود از قبیل حدوث و کثرت و مجعلویت؛ و گونه‌ای سازگار با وجود وجود از قبیل علم و قدرت و حیات و قدم ذاتی.

۸. وجوب سابق همان وجود علت است، و وجوب لاحق همان وجود معلول می باشد.

۹. در وجود، فاعل مستقلی جزو احتجاب الوجود نیست. وجودهای امکانی، حقائق تعلقیه و مرتبط به بجاعل هستند.

۱۰. همه افعالی که از مبدعات صادر می شود یا آثاری که از مخترات و مکونات بدست می آید، به افاضه قیوم مطلق - جل جلاله - منتهی می شود، به بیان دیگر اثر هر موجود مادون، با واسطه اثر موجود مافق است.

۱۱. ایجاد مانند ایجاد از عوارض موجود - از آن حیث که موجود است - می باشد، لذاعین وجود است و به وحدت وجود، واحد؛ و به کثرت وجود، کثیر می شود. اطلاق و تقسید و صرافت آن تابع اطلاق و تقسید و صرافت وجود است. ایجاد مانند وجود، حقیقت واحد تشکیکی است. بالاترین حد آن ایجادی است که بالاتر از آن ایجادی نیست، پائین ترین حد آن ایجادی است که مادون آن ایجادی تصور نمی شود. آحاد این سلسله از حیشی متصل و از حیشی منفصل هستند. هر عالی قاهر، و هر دانی مقهور است. قاهر کنه و باطن مقهور و حد تام آن می باشد، و مقهور وجه قاهر و حد ناقص آن است. توحید به گونه ای است که ظاهر آن در باطنش، و باطن آن در ظاهرش می باشد.

۱۲. آنچه را به روش فلسفی اثبات کردیم (یعنی اینکه در وجود، فاعل بالاستقلالی جز واجب الوجود نیست و...)، مورد تأیید قرآن کریم است، چرا که در موارد متعددی، قرآن فعل واحدی را، هم به فاعل مباشر ش نسبت داده، هم به خداوند، موجود با ووچشم به وقایع جهان می نگردد (اوین دور اباهم سازگار می باید)، اما آنان که در مسئله توحید بایک چشم نگریسته اند، منحرف شده اند، یا ثنوی و مانوی شده اند و در تبیجه اهریمن را شریک یزدان پنداشتند، یا به روش اثبات اخراج خداوند را با اثبات حرکات داشته، خلقت عقول و نفوس را عبث یافته اند، یا به شیوه معمتزه، قیزمیت خداوند را بحدود پنداشته اند، در فیاضیت استقلالی خداوند شریک اثبات کرده اند، یعنی قولی فاحش تراز دهری های زبان رانده اند، و یا بهودی وار (بدالله) را مغلولة اعلام کرده اند. آنان که با ووچشم به معارف می نگرند در می بایند که نه جبر است نه تقویض، بلکه امری بین این دو امر است، نه ابطال و تشییه، بلکه توحید.

۱۳. آنچه گذشت، روش فاعلیت خداوندو جریان مشیت و اراده او در هستی است. فاعلیت نفس، نسبت به قوایش، نشانه فاعلیت خداوندو حکایت وجود و افاضه ای است. آری سروحدت در اعیان پیداست.

آنچنانکه شیوه حکمت متعالیه است، «رساله فی التوحید» با بحث عقلی برهانی آغاز می شود و با ذوق عرفانی خاتمه می پذیرد، همچنانکه در این سفر روحانی، تاییدات قرآنی چراغ راهند. سالک از سه طریق قرآن و برهان و عرفان به یک مقصد می رسد، یعنی به توحید، که «واحدة لا لله الا هو» است.

## ۲. رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد

آقای علی در رسالت خود نوشت سر گذشت در معرفی آثار خود از جمله نوشه است: «رساله ای در اثبات معاد جسمانی مسمی به سبیل الرشاد فی اثبات المعاد، تضمیناً هزار بیان صد بیت». <sup>۱</sup> حکیم مؤسس در آغاز این رسالت آورده است: «این تعلیق‌های از تعلیقات ام بر مباحث معاد اسفرار لر بعه صدر الحكماء و المتألهین است که از آن استخراج کرده، به درخواست برخی برادران دینی رسالت ای مختصر مخصوص به اثبات معاد جسمانی بر اساس برهان عقلی بر اساس قواعدی که حکمای محقق الهی تحقیق کرده اند، قرار دادم و آنرا سبیل الرشاد فی اثبات المعاد نامیدم». این رسالت در آغاز تعلیقه ای بود در حدود چهار صفحه در ذیل قول صدر المتألهین («التحقیق فی التوفیق بینها») <sup>۲</sup> (الاسفار، السفر الرابع، الباب العاشر، الفصل الحادی عشر) که به خط آقای علی باقی مانده، وی سپس این تعلیقه را گسترش داده، به این رسالت با ارزش تبلیغ کرده است. آقای علی مدرس در بدایع الحكم به رأی ابتکاری خود در این رسالت در اتحاد قوس صعودی و قوس نزولی استناد کرده است؛ و در رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد برهانی خاص به آن رسالت بیان نموده ام. <sup>۳</sup> رسالت سبیل الرشاد فی اثبات المعاد کثیر النسخه ترین اثر مدرس طهرانی است:

<sup>۱</sup>. در جمع کنید، به جلد سوم مجموعه مصنفات حکیم مؤسی.

<sup>۲</sup>. استخاراج <sup>۴</sup> ص ۱۸۳، تعلیقه ۱۶۳، چندلول، مجموعه مصنفات حکیم مؤسی، صفحه ۶۶۸ تا ۶۷۱.

<sup>۳</sup>. بدایع الحكم، صفحه ۱۷۲.

نسخه اول: نسخه خطی تعلیقات الاسفار به خطاب احوالی که حاوی تحریر اولیه این رساله در قالب یک تعلیقه است. تاریخ کتابت این نسخه ۱۲۸۹ تا ۱۲۸۵ هجری قمری است، این نسخه متعلق به استاد حسن حسن زاده آملی است و مادر ضمن معرفی تعلیقات اسفار از آن با علامت (ن) به تفصیل باد کردیم، آنرا به عنوان تعلیقه ۱۶۳۲ نقل نمودیم. ذیگر نسخه، همگی تحریر دوم تعلیقه بسط یافته در قالب رساله هستند.

نسخه دوم: نسخه خطی شماره ۱۱۶۷۹ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، تاریخ کتابت: ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۰۲، نام کاتب مشخص نیست، اما تذکر داده که آنرا برای فرزندش حاج میرزا ابراهیم از طلاب علوم دینیه استنساخ کرده است. این نسخه متعلق به فیلسوف معاصر مرحوم سید محمد کاظم عصار بوده است. (الف)

نسخه سوم: نسخه خطی کتابخانه شخصی استاد حسن حسن زاده آملی در رقم تاریخ کتابت ۱۳۰۲، کاتب عبدالعلی عراقی گرمروdi از شاگردان آقایی، این نسخه در اختیار مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه بوده است. (ع)

نسخه چهارم: مجموعه خطی شماره ۷۵۳۵ کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار تهران (شهید مطهری). تاریخ کتابت ظاهراً ۱۳۰۴، کاتب: محمدعلی کرمانشاهی از شاگردان آقایی، حاوی حواشی توضیحی کاتب در انتهای بعضی از حواشی آمده است «هکذا سمعت من الاستاد». (ک)

نسخه پنجم: نسخه خطی شماره ۴۶۶۲ کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی در رقم. تاریخ کتابت ۱۳۰۷، کاتب خود را با عنوان «الخامس من الخمس» مأمور کتابت و تصحیح رساله از جانب مصنف معرفی کرده است. (ش)

نسخه ششم: مجموعه خطی شماره ۲۸۲۶ کتابخانه ملی ملک در تهران، تاریخ کتابت جمادی الثاني ۱۳۴۰ هجری قمری. نام کاتب موسی بن فتح الله طبرسی نوری. (م)

نسخه هفتم: نسخه خطی شماره ۱۹۷۷۲ کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد، فاقد تاریخ کتابت، کاتب: مرحوم سید احمد صفائی صاحب کشف الاستار (متوفی ۱۳۵۹ ه.ق.). (ص)

تاریخ نگارش رساله سبیل الرشاد می باید بین ۱۳۰۲ تا ۱۲۸۹ صورت گرفته باشد.

این رساله در سال ۱۳۱۰ هجری قمری به خطاب القاسم جیلانی به دست شیخ محمد حسین شمیرانی طهرانی در تهران در ۹ صفحه به شیوه چاپ سنگی منتشر شد (ح). سبیل الرشاد در حقیقت نخستین اثر منتشر شده حکیم مؤسس است که نسخه سال بعد از فاتح به محلیه طبع آر استه شد، چاپ سنگی سبیل الرشاد در مجموع بسیار کم غلط و خوشخوان است. بخلاف در هامش صفحات چاپ سنگی عنوانین مطالب این رساله به چشم می خورد. ماتمایی سخن را با این نسخه تصحیح کرده، اختلاف نسخ مغایر معنی را در پاورقی تذکر داده ایم.

شیخ آقابزرگ طهرانی در الذریعة این رساله را چنین معرفی کرده است: «سبیل الرشاد افی اثبات المعاد الجسمانی للحکیم الماهر الاقاعلی المدرس ابن المولی عبدالله المدرس الزنجوی مقیم طهران المتوفی ۱۳۰۷ طبع طهران ۱۳۱۰ فی ۱۰۹ ص. اوله [یا معید من افناه اذا بُرَزَ الخلاقُ لِدُعْوَتِهِ مِنْ مُخَافَتِهِ...]. ذکر آنها استخرجه من تعليقاته على مباحث الاسفار الاربعة»<sup>۱</sup>

این رساله بر اساس پنج نسخه در سال ۱۳۷۵ با مقدمه تحلیلی، تصحیح و تحقیق نگارنده در فصلنامه نامه مفید قم منتشر شد<sup>۲</sup> که اینک با اصلاح خطاهای مطبعی بر اساس هشت نسخه در این مجموعه درج می شود.

\*\*\*

رساله سبیل الرشاد پس از بذلیع الحکم مشهورترین رساله حکیم مؤسس و حاوی رأی ابتكاری وی در باب معاد جسمانی است. وی بالقدر ای صدر المتألهین در این زمینه بر اساس مبانی حکمت متعالیه نظری تازه ابراز می دارد.

در مسئله مهم معاد از سوی عالمان مسلمان، اختلافات علمی ذیل به چشم می خورد:

نوع اول: آیا معاد منحصر در معاد جسمانی است، یا اعم از معاد جسمانی و روحانی

۱. الذریعة فی تصایف الشیعه، ج ۱۲ ص ۱۲۹.

۲. فصلنامه نامه مفید، قم، زمستان ۱۳۷۵، شماره هشتم، صفحه ۱۰۲۹۷.

می باشد؟ متکلمان غالباً از انحصار معادر معاد جسمانی دفاع کرده‌اند، و حکیمان مسلمان و محققان از متکلمین از آغاز به اثبات معاد جسمانی و روحانی توأم نکرده‌اند. بقول حکیم مؤسس در میان فلاسفه اسلامی کسی را سر اخ نداریم که بالکار معاد جسمانی، معادر امنحصار در معاد روحانی داشته باشد، یا اینکه در جسمانی و روحانی بودن معاد موقوف نداند.

نزاع دوم: واضح است که بر معادر روحانی فارغ از دلیل عقلی می توان به ظواهر برخی آیات و روایات نیز تمیز کرد. ادله نقلي بویژه لص بزخی آیات و روایات معتبر بر معاد جسمانی دلالت دارد. آیافارغ از طریق نقلي، اثبات معاد جسمانی عقلاً ممکن است؟ تاقرن دهم رأی حکیمان مسلمان براین تعلق گرفته بود که طریق منحصر اثبات معاد جسمانی طریق نقلي است و این بحث فراتر از طور عقل می باشد. شیخ الرئیس ابن سینا رئیس فلاسفه اسلام خاضعه پذیرش معاد جسمانی را منوط به تصدیق صادق مصدق اعلام کرده، عجز فلاسفه را از اثبات این مهم خاطرنشان می سازد. هر چند بعضی خضوع علمی این سینارا بد تعبیر کرده، اور امنکر معاد جسمانی دانسته‌اند. در قرن دهم در حوزه عقلی شیراز در زمینه بحث عقلی از معاد جسمانی، نخستین قدم از سوی میر غیاث الدین منصور دشتکی برداشته شد، این رأی بلا فاصله توسط معاصر وی جلال الدین دوای مورد تقدیر قرار گرفت. چندی بعد صدر المتألهین شیرازی با تمیز به مبانی ابتکاریش در حکمت متعالیه، نخستین برهان فلسفی بر معاد جسمانی را قامه می کند.

نزاع سوم: مراد از معاد جسمانی چیست؟ در اینکه در قیامت بدنی محشور می شود. تردیدی نیست، اما آیا بدن محشور شده بدنی عنصری است یا جسم اپری یا بدن مثالی یا حتی بدن هور قلیابی؟ جمیعی از فلاسفه به دلایلی حشر بدن دینوی را در قیامت محل دانسته‌اند، از سوی دیگر تصوص دینی دال بر معاد جسمانی را بین باور داشته‌اند، لذا ها حل مسائل را قائل شدن به حشر بدن مثالی یا بدن هور قلیابی یا تاختاد نفس و اقسام فلکی (اپری) دانسته‌اند. رأی تعلق نفس به افلاک اپری ناسازگار با ظواهر دینی و فاقد دلیل عقلی معتبر است. قول شهاب الدین سهروردی درباره حشر بدن مثالی نیز بالتقادات چدی مواجه است. حشر بدن هور قلیابی نیز مانند دیگر آراء قائل این قول متهمن به دور بودن از مبانی فلسفه می باشد. رأی غالب قائلین به معاد جسمانی قول به حشر بدن عنصری دینوی درستاخیز است.

نزاع چهارم: پس از پذیرش لزوم حشر بدن عنصری دینوی در قیامت، بهشتی جدی در تفسیر «عینیت» در گرفته است. مراد از اینکه می باید بدن محشور «عین» بدن دینوی باشند، چیست؟ متکلمان معتقدند که همین بدن دینوی بهینه می باید در قیامت مجشور شود. چرا که اگر بدن محشور عین بدن دینوی باشد، این گناهکار نیست که عذاب می بیند، و این نیکو کار نیست که ثواب می بیند، فرد دیگری است. لذا در نظر اینان مراد از عینیت معنای تحت اللفظی آن است. حکیمان در مقابل معتقدند اعاده معلوم بهینه ممتنع است. بدن محشور به این معنای عین بدن دینوی نیست. این مطلب استحاله عقلی دارد. این نکته عقلی قرینه تصرف در آیات و روایات می شود. بلکه مراد از عینیت مثبت است، به این معنا که چون اوراد قیامت بینند، بگویند، این خود است. بعلاوه شخصیت انسان به نفس اوست، نه به بدن او. چرا که بدن انسان حتی در طول حیات دینوی نیز ثابت نمی ماند و تغییر می کند. در طول تغییر بدن انسان، کدام بدن وی محشور می شود؟ بدن کودکی یا جوانی یا میانسالی یا حتی کهن‌سالی وی؟ عینیت واقعی به این است که دریافت کننده ثواب یا عذاب، فاعل آن باشد، یعنی همان نفس که فعل را مرتكب شده است.

نزاع پنجم: بنابر مبانی فلاسفه بویژه اصول حکمت متعالیه، وجود انسان در حرکت جوهریش، به مرحله‌ای می رسد که نفس او بدون تعلق به بدنش امکان حیات می باید، انسان در نشأه اول نفس و جسم عنصری، در نشأه دوم نفس و جسم مثالی بروزخی است و در نشأه سوم نفس انسانی مجرد تمام می شود و حیات عقلانی را آغاز کرده، دویاره این نفس مجرد با بدن دینوی متحدمی شود. اکنون بحث در این است که در مرحله اخیر، این بدن دینوی چگونه بازسازی می شود؟ و این مطلب با مبانی عقلی چگونه اثبات می شود؟ در واقع نزاع اصلی فلسفی در این مرحله محقق می شود. عدم توفیق در پاسخ‌گویی برهانی به این سؤال جدی باعث می شود پذیرش معاد جسمانی به تعبد نسبت داده شود. در حکمت متعالیه تاکنون به این پرسش دشوار فلسفی دوپاسخ داده شده است:

اولین پاسخ، پاسخ صدر المتألهین شیرازی است. به نظر وی نفس پس از مفارقت از بدن عنصری، همواره بدن دینوی خود را تخلی می نماید. چرا که قوه خیال بعد از مرگ نیز در نفس باقی است، و همین که بدن خود را خیال کرده، بدنی مطابق بدن دینوی از نفس صادر

می شود. نفس با این بدن که حاصل قدرت خیال بر اختراع بدن است در آخرت محشور می شود و همین بدن مخلوق نفس نیز ثواب باعقب اخروی را می چشد. بدن اخروی بمنزله سایه و پرتو نفس است و به تناسب نفس، ظلمانی یا نورانی خواهد بود. این بدن بگونه ای است که هر کس آن را بیند، بلا فاصله تصدق خواهد کرد که این همان بدن دلیلی است. ملاصدرا برای استدلال فلسفی خود، پذیرش برخی اصول حکمت متعالیه را به عنوان مقدمه شرط دانسته است، این اصول مقدماتی در آثار مختلف او همچون اسفرار، المبله و المعاد، الشواهد الربوبیة، زاد المسافر، متفاوت است و عدد آنها بین هفت تا دوازده در تغییر است<sup>۱</sup>. به نظر صدرالمتألهین قدس سرہ با تدبیر در اصول یاد شده به شرط سلامت از اعوجاج به یقین دانسته، خواهد شد که همین بدن عیناً در روز قیامت محشور می شود و آنچه در معاد بازمی گردد، مجموع نفس و بدن عیناً همان شخص دلیلی است. هر قوه ای از قوای نفسانی و غیر نفسانی کمال خاص و لذت و الم شایسته خود را در دو به اعتبار آنچه انجام داده، جزا یا پاداش خواهد دید، هر جوهر طبیعی دارای حرکت ذاتی است و با نفوس و طبایع به سوی حق تعالی در حرکت است و به طرف او جذب می شود. هر کس این امر برایش محقق شود به لزوم بازگشت همه چیز یقین خواهد کرد. این مسئله مقتضای حکمت باری تعالی و وفای به عهد و وعد و وعید الهی و لزوم مكافات و مجازات در طبیعت می باشد.

پاسخ دوم: ییش از دو قرن و نیم بعد از صدرالمتألهین، حکیم مؤسس، آقاضعلی مدرس طهرانی قدس سرہ جواب صاحب اسفرار را تمام ندانست. وی ضمن پذیرش اکثر اصول صدرالله، به تبیجند ای متفاوت یا تیجه صدرالمتألهین قدس سرہ رسید. به نظر آقاضعلی، نفس پس از مفارقت از بدن دلیلی اگرچه رابطه تدبیری او سبب به بدن گستته می شود، اما در بدن و دایع و آثاری ذاتی بجا می گذارد، به نحوی که هر بدلی از دیگر بدنها

۱. اسفرار، السفر الرابع، الباب العاشر، عشر، الفصل الاول الى الثالث، ج ۹، ص ۱۸۵-۲۱۸.  
المبدل و المعاد، المقالة الثانية، من ۲۷۷-۴۳۲.

الشواهد الربوبية، المشهد الرابع، الشاهد الاول، من الاشراف الاول الى الثالث، من ۲۶۸-۲۶۱.  
زاد المسافر، اول شرح برزاد المسافر ملاصدراً معاد جسمانی، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۴ ش.

بواسطه همین متناسبات و آثار و دایع ممتاز می شود. هر چقدر که نفس قوی تر باشد و در سیر تحصیل کمال صعود بیشتری کرده باشد، بدن او نیز پس از مفارقت نفس از آن قوی تر خواهد بود، لذا بدنهای مقریین به حسب درجات شان فاسد نمی شود. نفس حتی بعد از مفارقت از بدن، فاعل بدن نیست، نفس پس از واصل شدنش به کمال ذاتیش فاقد حرکت خواهد بود، اما بدن پس از مفارقت از نفس به حرکت خود ادامه می دهد. بدن اخروی عین بدن دلیلی است، اما نه بالوازم دلیلی، بلکه عینتی حقیقی با حرکت جمیع اجزاء بدن از دیبا به آخرت. غایت این حرکت استکمالی، وصول بدن به نفس در دار آخرت است. بنابراین در معاد، این نفس نیست که به سوی بدن دلیلی تنزل یا عود می کند، بلکه این بدن نیست که به سوی نفس مجرد صبود می کند.

رأی ابتکاری حکیم مؤسس در باب معاد جسمانی مبتنی بر سه اصل عقلی است که در آغاز رساله سبیل الرشاد مورد بحث و اشاره قرار گرفته است:

اصل اول: بین مرکبات حقیقی و هر کبات اعتبرای تفاوت است. مرکب حقیقی می پاید دارای دو جزء جوهری باشد، جزء اول هیولی و استعداد و قوه، جزء دوم صورت که مبدء تحصیل و منشاء فعلیت و باعث وقوع جزء بلا تحصیل می باشد. ملاک تحقق مرکب حقیقی این است که اجزاء مرکب یعنی ماده و ضرورت به وجود واحد موجود باشند. لذا صرف معلومیت بعضی از اجزاء و علیت برخی دیگر، بدون انتلاف و وحدت طبیعی، ترکیب حقیقی و طبیعی حاصل نمی شود.

اصل دوم: ترکیب نفس و بدن ترکیب حقیقی اتحادی می باشد. بدن و قوای بدنی علل اعدادی تکامل نفس می باشند و نفس صورت تمامی بدن و قوای آن است. لذا نفس علیت موجبه بدن، و بدن علت معده و زمینه تکامل ذاتی و جوهری نفس است. از باب همین مسائحت ذاتی است که آثاری از نفس به بدن وبالعكس سوابیت می کند. این ترکیب اتحادی نشان از تلازم نفس و بدن در جمیع نشأت و وجود و مراحل هستی اعم از دیبا و آخرت دارد. اضافه نفس به بدن مادی که اضافه ای ذاتی است از حرکتهای جوهری و تحولات ذاتی بین نفس و بدن، این ترکیب طبیعی و اتحاد حاصل شده است، هرگز منقطع نمی شود و بعد از عروض موت نیز این اضافه به اعتبری باقی است.

اصل سوم: پس از مفارقت نفس از بدن ملادی، نفس به استكمال ذاتی و غایت وجودی فرد رسیده، با فعل و منشأ وجود نفس متوجه شود. اما بدن مادری پس از مفارقت نفس از آن، به سوی نفس پروری کند، لین حرکت آن از همین رخ می‌دهد، که ارتباط نفس و بدن حتی پس از مفارقت نفس از بدن به کلی قطع نشده، و بدن متعلق هر نفسی حامل آثار و دایع همان نفس است که بواسطه همین و دایع هر بدنی، از دیگر بدنها متابیر می‌شود. اتحاد نفس با بدن و تعاسک ايجابی و اعدادی بين اين دو، سبب حصول اين آثار و دایع از جانب نفس در بدن می‌شود، غایت حرکت استكمالی بدن، اتحاد آن با نفس در قیامت است. اين امر تحقق اصل «كل شی يرجع الى اصل» می‌باشد.

دومن به خش رساله عهددار مقايسه نظر خاص آفعلنی با نظر اشعاره از يك سو و نظر صدرالمتألهین از سوی دیگر می‌باشد. نقد اجمالی آفعلنی به اين دو مبناه اهرا برای فهم ديدگاه ویژه وی هموار می‌سازد:

اشاعره پنداشته اند که معاد عیناً همان دنیاست، چرا که عوراء عود نفس از بزمی به دنیا، و تعلق را به بدن دیوی برای مرتبه دوم مانند تعلق نفس به بدن قبل از مفارقت از بدن، بدون هیچ فرق قابل توجهی گرفته اند. به نظر ایشان پس از جمیع اجزاء متفرق بدن، نفس از بزمی به آن ملحق می‌شود. واضح است که این قول نه تها عقلاباطل است، بلکه با ضروریات نقلی نیز در تعارض می‌باشد، چرا که شاهادیا و آخرت نمی‌توانند بکسان باشند.

ظاهر کلام جناب صدرالمتألهین این است که وی بدن دیوی را درجه اعتبار در عود و معاد ساقط کرده است، چرا که تزدیز بدنهای اخروی مجرد از ماده دیوی قابل حالات مختلف و پذیرش صور و تجدد حرکات و کون و فساد هستند و تنها از صور امتدادیه مجرد نیستند. در اديشه وی بدن اخروی تنها به جهت فاعلیت قائم است، اما بدن دیوی هم به جهت فاعلیت و هم به جهت قابلیت قوام دارد، بنابراین بدن اخروی در بیانات مؤسس حکمت متعاله همان بدن برزخی است، اما بدن دیوی با عناصر متشکل آن فاسد شده، لذا نفس بار دوم به آن تعلق نمی‌گیرد.

به نظر حکیم مؤسس حق مطلب در بحث معاد جسمانی این است که نفس برای بار دوم به بدن دیوی تعلق می‌گیرد، اما با رجوع بدن به آخرت و ارتقای آن به حیث نفس، نه با

عود نفس به دنیا و تنزل آن به حیث بدن، تا اینکه بدن واقف و نفس به سوی آن متحرك باشد. سومین بخش رساله به تشرییع تفصیلی مؤیدات روایی رأی مختار مدرس طهرانی (یعنی رجوع بدن دیوی به آخرت و ارتقای آن به حیث نفس) اختصاص دارد. مهمترین مستند روایی وی روایت امام صادق(ع) در احتجاج طبرسی به نقل از تفسیر صافی می‌باشد:

«روح در مكان خود مقیم است، روح بیکوکار در نوز و فراخی و روح بدکار در تنگنا و ظلمت، بدن خاک می‌شود، آنچنانکه از آن خلقت شده بود. آنچه در لدگان و وحش از اندرون خود قی می‌کنند، از آنچه خوردده و پر اکنده بودند، همه آنها در خاک تنزد آنکه از علمش ذرّة المثقالی در ظلمات ارض مخفی نمی‌ماند و عدد اشیاء وزن آنها را نیز می‌داند. محفوظ است، خاک روحانیین بمنزلة طلاق در خاک است، لذا در وقت رستاخیز، بر زمین باران رویش پاریده، پس از زمین می‌روید، سپس [خاک، همچون] مشک [شیر برای جدا کردن کرده] حرکت داده می‌شود، پس خاک بشیر... همچون جدا شدن طلا از خاک، آنگاه که با آب شسته شود، یا جدا شدن کره از شیر، آنگاه که [شیر] زده شود... می‌گردد، پس خاک هر قالبی به موضع خود بردۀ می‌شود، به اجازۀ خداوند قادر به حیث روح انتقال داده می‌شود. پس صور به اذن [خداؤنده] صور تگر مانند هیات آن باز می‌گردند و روح در آنها اولوچ می‌کند. پس آنگاه که مستوی شد، هیچ چیز را از خود انکار نمی‌کند.»<sup>۱</sup>

آفعلنی ضمن توضیح و تعبیر جمله به جمله این روایت، آن را مستند نقلی بقای ارواح بعد از موت و بقای مناسبت موجب تمیز بدنهای از یکدیگر و تمیز اجزاء بدنهای متعلق ارواح بعد از قطع علاقة تدبیری ارواح از دیگر اجزاء موجود در خاک می‌داند. به نظر وی عبارت «ان الروح مقيمة في مكانها» بر این دلالت دارد که بدن به تبع نفس محشور می‌شود، تنزل نفس از مقام شامخ خود جهت تعلق به بدن باطل است، چرا که تنزل نفس از مقام تجرد و قبول تعلق تدبیری اسری غیر از تبدیل فعلیت به قوله، و انقلاب وجود به تقیض خود نیست. وی بعلاوه سربطان تناسخ را نیز از همین بیان استفاده می‌کند.

۱. احتجاج الطبرسی، ج ۲ ص ۳۵۰، تفسیر الصافی، بیروت، ج ۴ ص ۲۶۱.

به این نظر حکیم مؤسسه دنیا با تمام وجودش به سوی آخرت رسپار است، چرا که حرکت جوهری در تمام دنیا صادق می‌باشد. آخرت هر جزء دلیلی متناسب با آن است و آخرت آنها همچون دنیا بشان باهم متفاوت است. هر جزء دلیلی بسوی غایت متناسب خود در حرکت است، پس چون به غایت خود واصل شد، شخصیت و تمام هویت او کامل می‌گردد، هر چند در نظر دقیق، یعنی توحید افعالی و نظام جمعی و جملی... همه اشیاء به سوی غایت واحدی در حرکتند، یعنی خداوند که هو الاول والآخر.

به نظر این حکیم الهی با توجه به ترکیب اتحادی موضوع و عرض، از آنجا که موضوع به عنوان بجوهر همواره متحرك به حرکت ذاتی است، و ذوالبدعه هرگز از مبدع خود جدا و منفک نمی‌شود، چرا که موضوع همواره مبدع عرض به شمار می‌آید، می‌توان نتیجه گرفت که هر عملی که از نفس صادر می‌شود و به مرتبه‌ای از مراتب نفس منسوب بوده و مبدع آن عمل در ذات این مرتبه متحقق است، به صورت جمع و اجمعی در نفس موجود می‌باشد.

در اواخر رساله، آقای افغانی بدین معنی در باب مبدع بویژه توحید افعالی مباردت ورزیده، به تفصیل با برخانی و پژوه اتحاد قوس صعود و قوس نزولی را اثبات می‌کند. در انتهای رساله حکیم طهرانی تصریح می‌کند که معاد جسمانی بوجهی که او بیان کرده، محتاج برخان نیست، و از ضروریات دین است و برخان عقلی در این باب تنها برای کسی حجت است که خارج از دین باشد. هیچیک از حکمای الهی معاد جسمانی را انکار نکرده‌اند، تنها گروهی از ایشان مانند شیخ الرئیس از ائمه برخان عقلی بر آن اظهار عجز کرده‌اند. او با کلامی از صادر المتألهین در تأیید معاد جسمانی رساله ارزشمند خود را به پایان می‌برد.

علیرغم پیشکسوتی صادر المتألهین در حل عقلانی مسأله معاد جسمانی و راه حل زرف لگراله و تحسین برانگیز حکیم مؤسسه به عنوان آخرین پاسخ فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه، پرونده این بحث همچنان مفتوح است، هر چند به جرأت می‌توان گفت هر گونه بحث فلسفی از معاد جسمانی بدون بررسی «رساله سبیل الرشاد فی اثبات المعاد» ناقص خواهد بود.

آقای افغانی در تعلیقات الشوادر البویه خلاصه نظر ابتکاری خود را در باب معاد جسمانی آورده است.<sup>۱</sup> سبیل الرشاد از زمان نگارش تا امروز مورد عنایت دوستداران فلسفه اسلامی بوده است و بسیاری از فلاسفه‌پس از آقای افغانی، رأی خاص وی زاده مسأله معاد جسمانی پذیرفته‌اند. استاد سید جلال الدین آشتیانی معتقد است که «اغلب اساتید ما تمایل به طریقه آقای افغانی حکیم داشتند».<sup>۲</sup>

نخستین فیلسوفی که در این مسأله بر مبنای نظر آقای افغانی سلوک کرده، مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (متوفی ۱۳۶۱ هـ) حکیم، اصولی و فقیه بزرگ معاصر و صاحب منظومه تحفه الحکیم است. وی در «رساله فی اثبات المعاد الجسمانی» بی آنکه به نام آقای افغانی اشاره کند، کاملاً بر مبانی حکیم مؤسسه معاد جسمانی را ثبات کرده است.<sup>۳</sup> مرحوم غروی اصفهانی (مشهور به کمبانی) با یک تواسطه شاگرد آقای افغانی است، زیرا استادی شهید میرزا محمد باقر اصطهباناتی شاگرد طراز اول حکیم طهرانی است.

مرحوم آیت الله میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی (متوفی ۱۳۹۵ هـ) حکیم و فقیه معاصر نیز رأی آقای افغانی را در معاد جسمانی پذیرفته «بر مشکلات رساله سبیل الرشاد حواشی نوشته‌اند».<sup>۴</sup> متأسفانه علیرغم تخصص فراوان به جزیکی از این حواشی ارزشمند را نیافریم، این حاشیه را در جای خود در ذیل رساله سبیل الرشاد نقل کردیم. آنچنانکه گذشت حواشی توضیحی محمد علی کرم‌اشاهی از شاگردان آقای افغانی را نیز برای مزید فایده در باور قری رساله آورده‌ایم.

از میان معاصرین استاد سید جلال الدین آشتیانی در شرح برزاد المسافر (معاد

۱. تعلیقات الشوادر البویه، تعلیقۀ شمارۀ ۱۸؛

۲. شرح برزاد المسافر ملاصدرا، معاد جسمانی، ص ۱۸۴ و ۱۸۵، حاشیه.

۳. شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، رساله فی اثبات المعاد الجسمانی، کتاب برسائل اربعه عشر، تصحیح رضا استادی.

۴. استاد سید جلال الدین آشتیانی شاگرد مرحوم رفیعی در کتاب شرح برزاد المسافر ملاصدرا، معاد جسمانی ص ۲۰۲ نوشته است: «استاد میرزا ابوالحسن قزوینی قدس اللہ و روحہ فی الشانۃ العقلیۃ والمالیۃ بر مشکلات رساله سبیل الرشاد حواشی نوشته‌اند». در مجموعه رساله و مقالات فلسفی علام رفیعی قزوینی (ایام قدیمه و تصحیح غلام‌حسین رضازاده، تهران ۱۳۶۷) این حواشی به چشم نمی‌خورد، تنها حاشیه‌ای مرحوم رفیعی را کتاب شرح برزاد المسافر ملاصدرا ص ۳۰۲ و ۳۰۳ نقل کرده‌ایم.

جسمانی)، و نیز مقدمه تحلیلی المبدع و المعاد صدرالمتألهین به تفصیل پس لازم برای آقای مدرس به نقد آراء حکیم مؤسس دست یازیده، از مبنای صدرالمتألهین در مسألة معاد جسمانی جانبی‌تر کرده است.<sup>۱</sup> استاد محترم آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینای در نخستین اثر مستقل در زمینه تشریح آراء حکیم مؤسس بنام معاد از دیدگاه حکیم مدرس روزی به تحلیل آراء آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی پرداخته است.<sup>۲</sup> وی کوشیده است آراء آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی به شیوه صدرالمتألهین به سامان آورد.

نقد و بررسی اعراض استاد آشتیانی به آراء حکیم مؤسس و تحلیل انتقادی رأی انتقادی آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی پرداخته است، این مهم را به تفصیل در کتابی مستقل مطرح کرده ایم.

### ۳. رساله فی الوجود الرابط

آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی در رساله خود نوشت سرگذشت این رساله را در زمرة آثار خود ذکر نکرده است، در دیگر آثارش نیز به آن اشاره‌ای نشده است، این رساله تنها اثر حکیم مؤسس است که علیرغم تفحص فراوان نسخه خطی آن را بدست نیاوردیم.

استاد آشتیانی در مقدمه پکی از آثار ملا عبدالله مدرس روزی مذکور شده است که: «...بکی از دوستان رساله وجود را بخط ایضاً قد طبع رساله له فی تحقیق الوجود الرابط و ارجو الله ان یطبع ایضاً رساله له فی مسئله الحملیة فی کمال التحقیق والتدقیق»، با توجه به اینکه بداعی الحکم و سبیل الرشاد و این رساله یک بار بیشتر در تهران به شیوه چاپ سنگی منتشر نشده است، او لاین عبارت النزیعة که «طبعت مع بداعی الحکم ۱۳۱۴» اگر منظور معیت اضماعی در یک مجلد باشد، صحیح نیست، چرا که آنچنانکه گذشت در اعلان آخر بداعی الحکم تصریح شده که این رساله قبل از بداعی منتشر شده است، بعلاوه قطع این رساله جیبی است که باقطع رعنی بداعی الحکم نمی‌تواند منتشر شده باشد، تاریخ انتشار این دو اثر نیز متفاوت است، ثالثاً: تاریخ انتشار این رساله ۱۳۱۵ با اعلان آخر بداعی که این رساله قبل از بداعی یعنی قبل از شوال ۱۳۱۲ منتشر شده است، سازگار نیست و به اختصار قوی، تاریخ انتشار این رساله می‌باید

۱. سلسله مقالات استاد سید جلال الدین آشتیانی تحت عنوان «معاد جسمانی» از سال ۱۲۵۱ در نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی داشتگاه مشهد منتشر شد، چاپ درم این سلسله مقالات تحت عنوان شرح برزادالمسافر ملاصدرا، معاد جسمانی در سال ۱۲۵۱ در تهران منتشر شد، (قد آراء آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینای، ص ۲۷۰، ۲۵۷، ۲۷۲، ۲۸۵) ص ۸۸۵۲، ۱۳۵۴ (ش) این دو اثر استاد آشتیانی در زمینه‌ای از آراء آقای دکتر غلامحسین ابراهیمی دینای شاهدت فراولن به چشم می‌خورد، مطالب اثر اخیر احسن از مطالب اولی است.

۲. دکتر غلامحسین ابراهیمی دینای، معاد از دیدگاه حکیم مدرس روزی، تهران، ۱۳۶۸، انتشارات حکمت، ۲۹۸، صفحه.

فصوص قیصری، در کتاب حواشی شرح فصوص که ملک آفاسیخ غلامعلی بوده است و فعلاً در اختیار این فقیر فانی است، بدون شک دلالت دارد بر اینکه رساله خطی وجود را بطي نوشت اشیرازی است...»<sup>۱</sup> در سال ۱۳۷۵ در ملاقات با استاد آشتیانی ایشان متأسفانه این نسخه خطی را نیافتندو با توجه بد گذشت بیش از سی سال از آن، چیزی به باطری نیاوردند. به هر حال این رساله در سال ۱۳۱۵ هجری قمری در تهران توسط شیخ احمد اشیرازی در ۱۱۸ صفحه به قطع جیبی چاپ سنگی شده است، مقدمه این رساله نیز به قلم شیخ احمد اشیرازی است که از جمله در ضمن آن آمده است: «فهذه طرف من الكلمات... الاستاد المؤسس آقای المدرس قدس روحه و روح فتوحد قد طبعت لذوى الاشراق المستقيمة والاذوان السليمية». شیخ آقابزرگ طهرانی در النزیعة این رساله را چنین معرفی کرده است؛ «رساله فی الوجود الرابط لاقای المدرس این عبدالله المدرس الزنوزی التبریزی نزیل طهران المتوفی فی لیلة السبت ۷ ذی القعده ۱۳۰۷ طبعت مع بداعی الحکم ۱۳۱۴».<sup>۲</sup>

در انتهای چاپ سنگی بداعی الحکم (تهران، ۱۳۱۴ هـ. ق) آمده است: «اعلان: وقد طبع بحمد الله و توفيقه لمصنف هذا الكتاب سابقاً كتاب المستطاب المسمى بسبيل الرشاد في أمر المعاد و ايضاً قد طبع رساله له في تحقیق الوجود الرابط و ارجو الله ان یطبع ایضاً رساله له في مسئله الحملية في کمال التحقیق والتدقیق»، با توجه به اینکه بداعی الحکم و سبیل الرشاد و این رساله یک بار بیشتر در تهران به شیوه چاپ سنگی منتشر نشده است، او لاین عبارت النزیعة که «طبعت مع بداعی الحکم ۱۳۱۴» اگر منظور معیت اضماعی در یک مجلد باشد، صحیح نیست، چرا که آنچنانکه گذشت در اعلان آخر بداعی الحکم تصریح شده که این رساله قبل از بداعی منتشر شده است، بعلاوه قطع این رساله جیبی است که باقطع رعنی بداعی الحکم نمی‌تواند منتشر شده باشد، تاریخ انتشار این دو اثر نیز متفاوت است، ثالثاً: تاریخ انتشار این رساله ۱۳۱۵ با اعلان آخر بداعی که این رساله قبل از بداعی یعنی قبل از شوال ۱۳۱۲ منتشر شده است، سازگار نیست و به اختصار قوی، تاریخ انتشار این رساله می‌باید

۱. اول جایه، ص ۱۷۷، متن و باور قی.

۲. النزیعة، ج ۲۵، ص ۲۸۰.

۱۳۱۴ باشد که اشتباها در ۱۳۱۵ درج شده باشد، در این صورت اگر مراد النزیعه نیز معیت زمانی یعنی اشاره در یک سال باشد اشکالی بدی وارد نیست، هر چند خلاف ظاهر است. به هر حال علیرغم اینکه از این رساله جز همین نسخه چاپ سنگی در دست نیست استناد آن به آقای علی محرز است، زیرا شیخ احمد شیرازی کاتب این رساله فردی کاملاً موافق است که بداعی الحکم نیز به اهتمام وی منتشر شده است بعلاوه، تصریح شیخ آقابزرگ طهرانی در النزیعه که خود او اخر حیات آقای علی را درک کرده است به تهایی کافی است. مهمتر از همه، سیاق عبارات و مقادیر رساله بویژه در مقایسه با محتوای «رساله فی مباحث الحمل» و اشتراک مقادیر چندین فصل این رساله حتی گاهی با عبارات واحد تردیدی در صحت انتساب این رساله به حکیم مؤسس باقی نمی‌گذارد، به این سه نکته می‌باید شهرت عظیم انتساب این رساله به آقای علی را فروغ دهد.

عنوان این رساله توسط آقای علی تعیین شده است، شیخ احمد شیرازی در صدر نسخه خطی و شیخ آقابزرگ در النزیعه آنرا «رساله فی الوجود الرباطی» نامیده‌اند، حال آنکه در اعلان آخر بداعی الحکم با عنوان «رساله فی تحقیق الوجود الرباطی» خوانده شده است، ظاهراً این عنوان برگرفته از اولین جمله رساله است، اما تأمل در مقادیر رساله نشان می‌دهد که عنوان «رساله فی الوجود الرباطی» با مقادیر رساله سازگارتر است. لذا با توجه به نکته اخیر آنرا «رساله فی الوجود الرباطی» نامیدیم، والامر سهل.

این رساله را نگارنده در سال ۱۳۷۵ در فصلنامه نامه‌مفید با مقدمه تحلیلی، تصحیح و تحقیق منتشر کرد<sup>۱</sup> و در این مجال با اصلاحاتی درج خواهد شد.

توشیه آقای علی با عبارت «فصل فال وجود الرباطی بطلق فی مصطلح جماهیر الفلاسفة علی معنینین...» آغاز می‌شود، این فاء تصریح اشاره به کدام مطلب است؟ آیا این تعلیقه بلندی بر بحث وجود را بسط نموده است؟ محتمل است، به هر حال این رساله که قطعاً در زمان حیات آقای علی به عنوان رساله مستقل تدوین شده، کاملاً ناظر بر مباحث وجود را بسط نموده است.

نقیمات داخلی رساله و عنوانین این بخشها مشابه، دیگر آثار آقای علی از قبیل رساله فی مباحث الحمل، بداعی الحکم و رساله فی التوحید است، این فضول بدست فصل بالغ می‌شود، امامانند دیگر آثار آقای علی نباید انتظار داشت که همه مطالب آن در باره وجود را بسط کند، حکیم مؤسس در همه آثارش از باب الكلام بجز الكلام مباحث متعدد فلسفی را منسلسل وار بدلایل هم متعرض شده است.



مسئله وجود را بسط از مسائل مستجدات فلسفه اسلامی است. برای بخستین بار میرداماد در کتاب الافق المبین به وجود را بسط و را بسط در کتاب وجود محملولی به تحویل انتقال شاره کرده است.<sup>۱</sup> صدر المتألهین در اسفرار در ضمن سه فصل به تفصیل به بحث در باره وجود را بسط پرداخته است<sup>۲</sup> وی به تبع استاد خود پیشنهاد کرده است به وجود مقابل وجود محملولی، «را بسط» اطلاق شده، وجود ناعیتی، «را بسط» خوانده شود.<sup>۳</sup> آقای علی مدرس طهرانی به تبع صدر المتألهین رساله خود را با اشاره به دو معنای وجود را بسط یعنی وجود مقابل وجود محملولی وجود ناعیتی آغاز می‌کند، حکیم مؤسس در این رساله کوشیده است به چهار سؤال اصلی در باب وجود را بسط پاسخ دهد، این سؤال‌ها عبارتند از:

سؤال اول: آیا وجود را بسط تها در قضیای حملیه موجبه محقق می‌شود یا در قضیای حملیه سلبیه نیز می‌توان از آن سراغ گرفت؟

سؤال دوم: آیا وجود را بسط وجود محملولی تخلاف نوعی دارند، یا اینکه اطلاق وجود بر این دو به اشتراک معنوی است؟

سؤال سوم: آیا وجود را بسط منحصر در هلیات مركب است یا در هلیات بسطیه نیز محقق می‌شود؟

سؤال چهارم: آیا از وجود را بسط ماهیت انتزاع می‌شود؟

۱. میرداماد، الافق المبین، ساخته خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز، شماره ۸۴.

۲. صدر المتألهین، الامصار، السفر الاول، المرحلة الاولى، المنهج الاول، الفصل التاسع، ج ۱ ص ۸۲-۷۸، والمرحلة الثانية، الفصل الاول، ج ۱ ص ۲۲۰-۲۲۷، والفصل الثاني، ج ۱ ص ۲۸۵-۲۷۰.

۳. الاسفار، ج ۱ ص ۸۲.

۱. فصلنامه نامه مفید، قم، یانیز ۱۳۷۵، شماره هفتم، ص ۷۰-۷۷.

آقای اعلی در پاسخ به پرسش‌های چهارگانه فوق به دقت به تحلیل انتقادی آراء صدر المتألهین می‌پردازد و می‌کوشد با توجه به جوانب مختلف آراء مؤسس حکمت متعالیه از مبانی وی دفاع کند.

حکیم مؤسس در بحث از وجود رابطی به اقسام قیام معنی به موضوع پرداخته، آنرا به سه قسم قیام اعتباری، قیام حقیقی اضطراری و قیام حقیقی انتزاعی تقسیم می‌کند. وی سپس مسئله حمل را در ارتباط با سه نحوه قیام پادشاه مورد بحث قرار می‌دهد. آقای اعلی مدرس در ضمن بحثی عمیق از نحوه وجود نسب و اضافات، مسئله مقولات ثانیه را مورد عنایت و کاوش قرار می‌دهد. بحث از معانی اعتباریه غیر متأصله و تقسیم آنها به ثبوته و عدمیه و تقسیم معانی ثبوته به نسب و اضافات و غیر آنها، از مباحثی است که تعمق در نحوه وجود مقولات ثانیه را هموار کرده است.

آقای اعلی در سرتاسر رساله به دفاع از مبانی اصالت وجود و ابطال مبنای اصالت ماهیت از جوانب مختلف پرداخته است. تقریری تازه از اصل بساطت وجود از دیگر ابتکارات آقای اعلی در این رساله می‌باشد. قاعدة فرعیه (ثبوت شیء لشیء فرع ثبوت الحثت له) و تأمل در مفاد آن بخش قابل توجهی از این رساله را به خود اختصاص داده است. تأمل در باره فصل و ارتباط آن با وجود و تفاوت بین ذاتی و عرضی از دیگر نکات مطرح در این رساله می‌باشد.

علاوه بر تحلیل آراء صدر المتألهین، آراء جمعی دیگر از حکما از قبیل امام فخر رازی، جلال الدین دوائی، میرداماد نیز مورد تقدیر از گرفته است. مناقشات آقای اعلی به استادی حکمت متعالیه یعنی حاج ملاهادی سبزواری، ملام محمد اسماعیل درب کوشکی اصفهانی، ملام احمد بن ابراهیم اردکانی، ملام ضطیعی قمشه‌ای (مصطفی‌الحکماء) و بالآخره استادش ملام محمد جعفر لاھیجی لنگرودی از دلکش ترین مباحثت این رساله است و حاکی از نگاه نافذ و قوت علمی و مبانی متین آقای اعلی می‌باشد. به جرأت می‌توان گفت در فلسفه اسلامی بدون مراجعت به تأملات فلسفی آقای اعلی مدرس در این رساله نمی‌توان مدعا بحث مستوفی از وجود رابطه و رابطی بود. رساله حکیم مؤسس مبسوط‌ترین و عمیق‌ترین بحث حکیمان مسلمان در باب وجود رابطه و رابطی است اما با این همه پرونده بحث وجود

رابطه هنوز مفتوح است و علم رغم مباحث عمیق آقای اعلی و دو تک نگاری در باره وجود رابطه<sup>۱</sup> هنوز نقاط قابل بحث در این زمینه به چشم می‌خورد.

بحث وجود رابطه با بحث «اقسام کلمه» و «تأمل در «حرف» در علم نحو آغاز می‌شود.<sup>۲</sup> سپس با از رف اندیشه در بحث معروف «معنی اسمی- معنی حرفي» در علم اصول فقه به اوج خود می‌رسد. تأملات عالمان اصول فقه در زمینه «وجود حرفي» افق دیگری را در مسئله وجود رابطه پذیرفت داده است.<sup>۳</sup>

فارغ از جوانب سه گانه‌ای، اصولی و فلسفی وجود رابطه در فرهنگ اسلامی، استیفاء بحث افتضایی کند تأملات فلاسفه غربی را پیز از نظر دور نداریم. تقسیم وجود به محمولی و رابطه در فلسفه غرب به چشم نمی‌خورد. اماری‌شدار ترین بحث فیلسوفان مغرب‌زمین در زمینه وجود رابطه امی پاید در کتاب «القد عقل محض» کاتب فیلسوف شهر آلمانی جستجو کرد.<sup>۴</sup> وی وجود رابطه را کلی رابطه و نسبت مقولی تصور کرده و اصولاً به وجود محمولی- یعنی وجودی که حقیقتاً محمول قضیه‌ای واقع شود- قائل نیست. لذا معتقد است قضایای حملیه بسیطه در منطق وجود ندارد. از سوی دیگر چون وی وجود را بطل‌قارابطه می‌داند، براین باره است که وجود نمی‌تواند چیزی به موضوع قضیه بیانزاید.

۱. غلامحسین ابراهیمی دینی، وجود رابطه و مستقل در فلسفه اسلامی، (تهران، ۱۳۶۲)، حسن حسنزاده آمالی «العمل الشاضط فی الریطی و الریطه» (歇爾拉پور رساله دیگر العمل و قیمتہ پیوں الحیا) (قم، ۱۳۶۸) و بیز رجوع کتبده مهدی حائری بزدی، کاوش‌های عقل نظری، ص ۱۰-۹۵، اجایپ دوم.

۲. کتاب الکافیه، تأثیر ابن حجاج بحوری، شرح رضی‌الدین حسین استرآبادی، بیروت ۱۲۹۹ق، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. رجوع کتبده: آشوند ملام محمد کاظم خراسانی، کتابة‌الاصول، الامر الثانی من المقنية، من (طبع آل البیت)؛ شیخ محمد حسین نائینی، فوائد الاصول، بد قلم شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، ج ۱ ص ۵۹-۶۲؛ شیخ محمد حسین غروری اصفهانی، الہادیة الدرلیۃ فی شرح الکتابة، ج ۱ ص ۵۶-۵۱، آفایی‌الدین عرائی، نهایة الافکار، به قلم شیخ محمدعلی بروجردی نجفی، ج ۱ ص ۵۴-۳۸، و مقالات الاصول، المقالات‌الربیة، المعانی‌العرفیة ج ۱، ص ۱۰۸-۸۲.

4. Immanuel Kant's Critique of pure Reason.

Translated by Norman Kemp Smith, Macmillan, 1973.

این کتاب تحت عنوان «سنجه خردان» (تهران ۱۳۶۲) به فارسی ترجمه شده است. ساینه‌خاون مترجم بحث در واژه‌بایی فارسی رجوع به متن انگلیسی را ناگزیر می‌کند.

این نظر کانت در باره مسأله وجود را تقریباً همه علمای تجزیی پس از او پذیرفتند و قالب شده‌اند که وجود در همه جا حالت (Copula) دارد یعنی ربط مخصوص است و هیچ کجا معمول حقیقی نیست، یعنی وجود همواره به معنای «است» می‌باشد، تا به معنای «هستی». اینکه پدیدارشناسان وجود را در پست در اختیار فنomen (Phenomenon) گذاشته‌اند، به همین دلیل است، در فنomen وجود به هیچ وجه حالت محمولی ندارد. این رشتہ از سخن در انتولوژی غربی تا امروز امتداد یافته است. تئوری توصیفی راسل (Description Theory) و نیز ورثه علمی او از قبیل کواین (Quine) در این سخن که «معنای وجود برای اشیاء فقط ارزش متغیرات منطق است و بیشتر از این نیست» همگی مبتنی بر تلقی (Copula)-ربط مخصوص-از وجود است.<sup>۱</sup> مقایسه آراء حکیمان مسلمان با فلاسفه غربی پرده از برتری تأملات مباحث هستی‌شناسی اسلامی بر می‌دارد.

بحث تفصیلی درباره آراء ابتکاری حکیم مؤسس در باب وجود رابط و تحلیل انتقادی نظریات وی را مستقل از کتابی مختص به آراء آقای اعلیٰ مدرس طهرانی مطرح کرده‌ایم.

#### ۴. رساله‌فی مباحث العمل

آقای اعلیٰ مدرس نام این رساله را در ضمن بیان آثارش در رساله‌سر گذشت ذکر نکرده، در دیگر آثارش نیز به آن اشاره نکرده است. علیرغم تفحص فراوان، از این رساله نسخه‌خطی کاملی بدست نیاوردهم. تنها نسخه خطی بدست آمده از این رساله بهشی از آن است، از آغاز تا اواسط فصل نهم (تاقوله) «بایکون احده‌ماعرضیاً للآخر هذا كلامه بعض عباراته» بدون هیچ توضیحی در اول و آخر آن دال بر لین که مطالب مذکور چیست و متعلق به کدام اثر است. تنها در آغاز این مجموعه آمده است که از آثار آقای اعلیٰ مدرس زنوی است: مجموعه خطی شماره ۵۵۸۸ کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، ورق ۱۳۶ تا ۱۴۲ با خطی له چندان دلپذیر. (ش)

این رساله در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در ۹۴ صفحه به خط احمد طهرانی به اهتمام فضل الله الهی [آشتیانی] در تهران به طریق چاپ سنگی منتشر شده است. مرحوم الهی در آغاز چاپ سنگی نوشته است: «مخنی نماناد که این نسخه شریفه مباحث العمل... آقای اعلیٰ المدرس اعلی الله العلیین مقامه... نسخه‌ای است که تا این زمان [کسی] در این مسئله تحقیق صحیحی ننموده و تدقیق نظری نکرده، لهذا این داعی در صدد طبع او برآمدم و از نسخه‌اصل به خط شریف مصنف که هنوز از مسوده به مبیضه نیاورده بودند لقل نموده شد». متأسفانه نسخه‌اصلی مورد اشاره بجانمانده است. نسخه چاپ سنگی نسخه‌ای کم‌غلظ و قابل اعتماد است. در این نسخه چند حاشیه‌با مضای ۱۲ دیده می‌شود. این نسخه در مرداد ۱۳۲۰ هجری شمسی در چاپخانه و کتابخانه مرکزی تهران افست شده است، روی جلد آن آمده است: «رساله‌فی بیان اقسام العمل للحکیم المحقق و التحریر المدقق والخبرت فی الفلاسفه والائض بجهوده العلي آقای اعلیٰ المدرس الزنوی قدس سره العزیز».

شیخ آقابزرگ طهرانی در النزیعه این رساله را چنین معرفی کرده است: «الرسالة الحعملية لآقای اعلیٰ الحکمی ابن الاقا عبد الله المدرس الزنوی الطهرانی المتوفی بها ۱۷ ذی القعده ۱۳۰۷ و مؤلف حاشیة الاسفار (المذکور في ج ۶، ص ۲۰) طبع مع بعض رسائله». ظاهر اعبارات اخیر النزیعه چندان دقیق نیست و این رساله مستقل‌اً چاپ شده است، بویژه که تاریخ آن (۱۳۱۲) با تاریخ دیگر رسائل منتشره آقای اعلیٰ در همان ایام یعنی رساله‌فی الوجود الرابط (۱۳۱۵) و بداعی الحکم (۱۳۱۴) سازگار نیست. ضمناً آنچنان که گذشت در اعلان آخر چاپ سنگی کتاب بداعی الحکم آمده است: «... و لرجو الله ان يطبع ايضا رساله‌فی مسئلة الحعملية» متأسفانه این عبارت نیز با توجه به انتشار رساله‌فی مباحث العمل یک سال قبل از آن مطابق واقع نیست، و ظاهر ایکی از تاریخهای کتب یادشده باید نادرست باشد. این اختیام نیز قابل توجه است که لز زمان کتابت تا انتشار بعضی از این رسائل، لز جمله رساله مورد بحث، بیش از یک سال به طول انجامیده باشد.

اما در انتساب این رساله به حکیم مؤسس هیچ تردیدی نیست، اولاً مرحوم فضل الله

۱. التربیه، ج ۷، ص ۹۲.

۱. «بحث تطبیقی در وجود رابطه» دو خستین باز توسط دکتر مجیدی حائری بزدی در کتابهای کارشناسی عدل نظری، (ص ۱۱۵، ۱۰۶) و هرم‌هستی (ص ۱۲، ۲۱، ۲۷، ۲۸) مطرح شده است.

الهی همان فضل الله آشتیانی مستشار دیوان عالی تمیز است که استاد سید جلال الدین آشتیانی کرا را به این که نسخه‌ای از تعلیقات آقاعلی بر اسفار به خط اصل را تزدیشان دیده اشاره کرده‌اند، آن مرحوم فردی موقع است و شهادت او به اینکه نسخه چاپ سنگی از نسخه اصل مصنف استنساخ شده است کافی است، علاوه نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی (حاوی ربع اول رساله) نیز مؤید این انتساب است. ثالثاً تصریح شیخ آقابزرگ که اواخر حیات آقاعلی را در کرده است، در النزیع بد تنهایی برای چنین انتسابی کافی است. چهارم: شهرت فراوان این رساله را فهرگونه ایهامی در تجوه انتساب این اثر به حکیم مؤسس است، رابعاً از همه مهمتر، سبک و سیاق مطلب، اشتراک محظوظ با برخی از آثار دیگر آقاعلی بوزیره رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل در وجود رابط و حتی گاهی وحدت عبارات و بطور کلی سطح این اثر همگی دلالت بر صحبت انتساب رساله‌ی حکیم طهرانی دارد.

ظاهر آقاعلی برای رساله خود عنوانی بر نگذیده است، در نسخه خطی ناقص، رساله فاقد عنوان است. در چاپ سنگی عنوان «رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل» انتخاب شده است. شیخ آقابزرگ آن را «الرساله الحملیة» نامیده است، در افست چاپ سنگی، عنوان «الرساله‌ی بیان اقسام الحمل» به چشم می‌خورد. در نخستین چاپ‌حروفی، این رساله «الرساله الحملیة» نامیده شده، هر چند در مقدمه آن آمده است: «الرساله‌ی در اقسام حمل معروف به رساله الحملیة»، و عنوان بالای صفحات «رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل» ذکر شده است، ماعنوان نخستین را گویاتر داشته، رساله را با همان عنوان نامیدیم، هر چند عنوان رساله‌ی الحملیه بوزیر بلاشکال است، اما جهت هماهنگی با عنوان دیگر رسائل حکیم مؤسس (فی التوحید، سبیل الرشاد فی اثبات المعاد، فی الوجود والرابط) عنوان (فی مباحثه‌ی الحمل) را اسازگارتر دانستیم، والامر سهل.

این رساله در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در ۸۳ صفحه با تصحیح و تحقیق متون و فهرست مطالب با عنوان رساله حملیه منتشر شد. رساله حملیه نخستین اثر آقاعلی که به شکل حروفی منتشر شده است، مصحح محترم

۱. مقدمه المسائل القدسیه ص ۵۵ و مقدمه المظادر الالهیه ص ۲۵، شرح حال و آراء فلسفي ملاصدرا: «استخار مرحوم آقاعلی که مشتمل بر همه حواشی ایستاد و حواشی را به خط خود نوشته در کتابخانه داشته مختار منشی نقل الله خان آشتیانی مستشار سابق دیوان عالی تمیز و مجدد است...»

رساله بدانم خود و نیز نسخه‌ای که مستند تصحیح قرار گرفته اشاره نکرده است. ظاهرآ مستند تصحیح، افست چاپ سنگی است، در تصحیح و تحقیق مجدد «رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل» از نخستین چاپ‌حروفی در کنار چاپ سنگی و نسخه خطی ناقص استفاده شد.

از نکات قابل ذکر در رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل این است که سه بار از یکی از آثار مفقوده آقاعلی به نام «اصول الحكم فی شرح اثولوجیا» عباراتی نقل شده است.

«رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل» فاقد مقدمه است، ظاهر امطالب آن به پایان نرسیده، رها شده است، واضح است که در زمان حیات مصنف صورت یک رساله‌ی مستقل را به خود نگرفته است. رساله از سی و چهار فصل کوتاه و بلند تشکیل شده است.

\*\*\*

مسئله حمل در علم نحو، علم معانی، علم منطق و بحث الفاظ علم اصول فقه مطرح است. اما جاداشت که در فلسفه مستقل ابهشکل مستوفی مورد بحث و دقت قرار گیرد. «رساله‌ی مباحثه‌ی الحمل» نخستین قدم در تعمیق ابعاد مختلف این بحث مهم فلسفی است. حکیم مؤسس در نخستین گام حمل را به حمل اشتراقی و حمل مواطه تقسیم کند. در حمل اشتراقی محمول بدون توسط اداتی از قبیل فی، له و ذر بر موضوع حمل نمی‌شود. اما حمل مواطه اتحاد بین موضوع و محمول است، به شیوه‌این همانی و هوهو، بدون نیاز به وساطت ادات. اطلاق حمل به این دو به اشتراک لکلفظی است، زیرا وجه جامع قریبی بین آنها یافت نمی‌شود تا اشتراک معنوی باشد. در دو مین گام حمل مواطه به حمل اولی ذاتی و حمل شایع صناعی تقسیم می‌شود. در حمل اولی ذاتی تغایر موضوع و محمول در مفهوم است و اتحاد آن دو بزیره حسب اعتبار عقل محقق می‌شود. در حمل شایع صناعی تغایر موضوع و محمول به حسب مفهوم و اتحاد آن دو در یکی از انچه وجود است. در سومین گام حمل شایع صناعی به حمل بالذات و حمل بالعرض تقسیم می‌شود، پس از تقسیمات سدگانه حمل، آقاعلی به بیان مباحثه حمل می‌پردازد، در این مختصر به مهمنترین این مباحثه اشاره می‌کنیم: مسئله اول: به نظر حکیم مؤسس حمل و وضع هر دو از عوارض مدرك (به صیغه مفعول) است، به از صفات ادراک یا التفات، برخلاف مدرس طهرانی، سید سند صدر الدین دشتکی حمل را از صفات ادراک می‌شمارد، علاوه بر این سید سند برخلاف آقاعلی لزوم

اقسامی دارد، از قبیل توزیعیت و چنسیت، حمل نیز اقسامی دارد. اما یکی از اقسام حمل، یعنی اتحاد در وجود از میان اقسام حمل مشهور شده است، اما باید فرموش کرد که حمل منحصر در اتحاد در وجود نیست. این اتحاد در وجود به دو گونه ممکن است: یکی اینکه موضوع و محمول هر دو حقیقت موجود باشند، (مثال آن حمل ذاتیات بر موجودات)، یا اینکه یکی از آن دو بالذات و دیگری بالعرض موجود باشد. (مثال آن حمل اعتبارات بر موجودات). آقای علی سیس به دفاع از محقق دوانی به تقدیر اضطرابات سیدسند می پردازد.

ششمین مسئله مباحثت حمل تفکیک معانی مختلف «ذات» در فلسفه یافته است: در پژوهشی عالماهه پنج معنی متفاوت برای ذات در فلسفه یافته است:

معنای اول ذات تمام ماهیت‌شی یعنی نوع است، معنای دوم ذات، قائم به نفس است لذا به این معنی بر اعراض، صور حال در مواد و معانی ناعتی اطلاق نمی شود، معنای سوم ذات هویت شخصیه است (چه واجب، چه ممکن، از جواهر یا از اعراض)، معنای چهارم ذات امری است که استقلالاً می‌توان از آن خبر داد، حال آنکه صفت چنین نیست، مراد متکلمین از ذات همین معنای چهارم است چرا که ذات را به موجود و معدوم تقسیم می‌کند و به چیزی بنام حال بین موجود و معدوم قائل می‌شوند، معنای پنجم ذات همان است که مدخل حیث، جهت و باء واقع می‌شود (من حیث الذات، من جهة الذات، وبالذات) و مقصود از آن حاق شیء باقطع نظر از امور خارج از آن است، بنابراین به اموری گفته می‌شود که با نظر اولی به حاق حقیقت شیء برای آن اثبات می‌شوند، و برای آن بالذات ثابت هستند، به بیان دیگر محمولی که برای موضوع باللاحظه امری و برای حد نفس آن موضوع ثابت می‌شود، «بالعرض» خوانده می‌شود و محمولی که برای موضوع بدون ملاحظه امری و برای آن، ثابت می‌شود، بالذات گفته می‌شود.

در هفتمین مسئله حکیم مؤسس پادقت و نکته سنجی تمام به تفکیک له معنای متفاوت از «ذاتی» می‌پردازد؛ معنای اول ذاتی؛ آنچه شیء به حسب ذاتی در تحقیق آن کافی است، ذاتی به این معنی می‌تواند دارای حقیقت خارجی یا فاقد حقیقت خارجی یعنی اعتباری باشد. مثال اول وجود ذاتی که وجود خداوند تعالی برای تحقیق آن کافی است و دارای حقیقت خارجی است (همان وجود و احباب تعالی بنفسه و احباب است)، مثال دوم؛

تغییر مفهومی و اتحاد وجودی در حمل رانمی پذیرد. حکیم مؤسس تأییدات متعددی از علماء لسان دال بر لزوم تغایر مفهومی در حمل را آرائه می‌کند.

مسئله دوم؛ آقای علی با محقق دوانی هم نظر است که التفات قوه‌ای از قوای نفس به شیء واحد دوبار بعینه در زمان واحد منوع است، و نظر آنچمال خوانساری در این باب صائب نمی‌باشد، چرا که نزاع در این است که آیا عقل قادر به ملاحظه معنای واحد به دو التفات است یا نه؟ نه این که نزاع در مشاهده یا سمع لطف باشد.

در سومین مسئله مدرس طهرانی به تحلیل حمل شیء بر خودش می‌پردازد، به تظر محقق دوانی در چنین حملی مذرک به شیوهٔ حیثیت تقيیدیه، به تعدد ادراک متعددی شود، به این معنی که حکم به اتحاد مذرک به یکی از دو ادراک پادرک به دو ادراک دیگر می‌شود.

در داوری بین نزاعهای علمی محقق دوانی و سیدسند، حکیم مؤسس چهارمین مسئله خود را در فرق بین هلیات بسیطه و هلیات مرکب مطرح می‌کند؛ به نظر آقای علی، تفاوت بین هلیات بسیطه و هلیات مرکب به خلاف نظر محقق دوانی منحصر در وجه واحد نیست، بلکه این دو قضیه دو تفاوت اساسی دارند؛ اول به حسب مصدق حمل و محکی عنده عقد و دوم؛ بحسب خود عقد و حکایت در ظرف حکم، عقد از آن حیث که عقد است چه بسیطه و چه مرکب‌های لازم است که بر موضوع، محمول و نسبت مشتمل باشد، بنابراین حمل شیء بر خودش، از هلیات مرکب است لذا هلیات بسیطه، بنابراین قضیه وجود و وجود است هلیه مرکب است، حال آن که قضیه وجود موجود است، هلیه بسیطه می‌باشد. چرا که هلیات بسیطه از اقسام حمل بسیطی هستند که در عقد محمل آن موضوع تصور می‌شود، و مفاد آن تقریر نفس شی و ذات آن است، هلیه بسیطه از اقسام حمل شایع صناعی شمرده می‌شود، اما هلیات مرکب در یکی از اقسام حمل منحصر نیست، بلکه هلیات مرکب بر سه گونه‌اند؛ گونه‌اول از قبیل حمل شایع صناعی، مثل عقل مرتبی مادون خود است، گونه‌دوم از قبیل حمل اولی ذاتی مانند اسان حیوان ناطق است، گونه‌سوم از قبیل حمل شی بر خودش به شیوه‌ای که تصویرش گذشت.

در پنجمین مسئله بحث تشكیک در حمل مورد تحقیق قرار می‌گیرد. حمل اتحاد است که مقتضی نحوه‌ای دوگانگی و نحوه‌ای وحدت و یگانگی است، همچنانکه وحدت

امکان ذاتی است که برای ماهیات ممکنه و اعیان ثابته با تحلیل عقل موجود است. لذا فرضیه «ماهیت ممکن است» قضیه حملیه غیر بقید است. (ذاتی به معنای اول همان خارج المحمول والمحمول من صمیمه است) معنای دوم ذاتی: مقتضی ذات شیء است مثلاً زوجیت ذاتی چهار، حرارت ذاتی آتش و برودت ذاتی آب است. معنای سوم ذاتی: آنچه که از حقیقت شیء خارج نیست و بر این معنی به طبیعت نوعیه و جنس و فصل وجودی بر وجود اطلاق می‌شود مثلاً گفته شود: وجود خاص ذاتی واجب الوجود است. معنای چهارم: آنچه خارج از ماهیت نوعیه نیست، واضح است که ذاتی به این معنی به وجود اطلاق نمی‌شود. معنای پنجم ذاتی: آنچه داخل در ماهیت شیء است یعنی جزو محمول است (جنس و فصل - ذاتی در باب کلیات خمس). معنای ششم ذاتی: ذاتی باب بر همان منطق که اعم از ذاتی باب ایساغویی منطبق است. زیرا علاوه بر شمول آن سبب به ذاتی به معنای پنجم، اعراض ذاتیه را نیز شامل می‌شود، یعنی محمولاً تی که لموقشن به موضوع به حسب ذات آن موضوعات است یعنی آن موضوعات چنین اعراضی را قتضامی کنند، پس ذاتی به این معنی محمولی است که به سبب اعم از شخص به موضوع ملحق نمی‌شود. معنای هفتم ذاتی: که جامع معنای پنجم و ششم است: یا محمول مأخوذه در حد موضوع باشد یا موضوع مأخوذه در حد محمول باشد. [آیا همان معنای ششم ذاتی نیست؟] معنای هشتم ذاتی: آنچه داخل در حد موضوع است یا موضوع یا مقومات موضوع بالمعنى الاعم از مقوم مذکور در فن ایساغویی، در حد آن اخذ شود، بشرط این که آن مقوم خارج از موضوع علم نباشد. این معنای از ذاتی در تمایز علوم مورد استعمال قرار می‌گیرد، معنای هشتم ذاتی: اعراض متزعزع ثالیاً وبالعرض عرضیات. در انتزاع ذاتی به این معنی غیر از هویت شیء، رساطت امر دیگر لازم نیست، در این انتزاع حیثیت تقویدیه واسطه نمی‌شود. حکیم مؤمن آنگاه به تفصیل برای اقسام مختلف ذاتی مثال ارائه می‌کند.

**مسئله هشتم:** حمل مفهومی بر مفهوم دیگر از بركات اصالت وجود است. به بیان دیگر حمل شایع از فروع اصالت وجودی باشد. بنابر این تحقق صدقی بین معنای، منحصر در حمل شایع است که مفاد آن اتحاد در وجودی باشد، لذا وجود واحد ممکن است وجود

دو ذات باشد و حمل مفهومی بر مفهوم دیگر به اعتبار اتحادشان در وجود است و چنین حملی برخلاف نظر سید سند حمل اولی ذاتی و یا حمل شیء بر خودش نیست.

مسئله نهم: دو حقیقت متباینة از آن حیث که متباین و مختلفند، ممکن نیست مصاداق های مفهوم واحدی قرار گیرند. لذا اگر بر دو هویت پادو حقیقت، عنوان واحدی صدق کرد، لازم است که بین آنها جهت اتحاد او اشتراک ذاتی، یا عرضی متفاوت با اشتراک و اتحاد ذاتی برقرار باشد. از این قاعده فلسفیه برای دفع شباهه منسوب به این کمونه کمال استفاده می‌شود.

مسئله دهم: آنچنانکه اشتراک در عرضیات لازم است که متفاوت با اشتراک در ذاتیات شود، اشتراک در ذاتیات نیز لازم است که به اشتراک در وجود متفاوت شود. این قاعده مهمه مبتنی بر مبنای اصالت وجود در تصور است. این مسئله یکی از مهمترین ابتکارات حکیم مؤسس است.

مسئله پازدهم: حکیم مؤسس از لزوم متفاوت شدن هر عرضی به ذاتی بر همانی جدید بر اصالت وجود در تقریر و جعل اقامه می‌کند که از ابتکارات وی به حساب می‌آید.

در دوازدهمین مسئله مطروجه در این رساله، تشکیل خاصی در تمامی موجودات اثبات می‌شود، افتراق اشخاص در عوارض شخصی و انواع در فصول و اجناس در عوارض خاصه به افتراق ذاتی در وجود هایشان باز می‌گردد. و اشتراک اشخاص در نوع، و انواع در جنس و اجناس در عرض عام به اشتراک در سینخ وجود باز می‌گردد بنابر این افتراق وجودات متمایز از اتحادشان نیست، هر وجودی به ذات خود متمایز از وجود دیگر و متعدد با آن به عنین حقیقت آن است، یعنی مابه الاشتراک و مابه الافتراق هر دو وجود است.

در سیزدهمین مسئله بذنبال قاعده لزوم رجوع اشتراک در معنای ذاتیه و عرضیه به اشتراک در لحی از انجام وجود، به این نکته تنبیه می‌شود که معنای متزعزع محمول بر اشیاء کثیره یا معنایی سلبی و مفهومی عدمی است و یا معنایی ثبوتی و مفهومی وجودی، آنگاه قاعده در در مقام یادشده تطبیق می‌شود.

چهاردهمین مسئله به تفاوت عوارض وجودیه و ماهیات ممکنه اختصاص دارد، با توجه به این که هر دوازه حقائق وجودیه انتزاع می‌شوند، فرقشان در این است که هر ماهیتی که تحصل وجودی دارد، در آن مفهومی سلبی به ملاحظه حدش اعتبار می‌شود. اما در عوارض

وجودیه هر چه جهت فقدان و محدودیت ضعیف تر و جهت وجود و اطلاع قوی تر باشد، عنوانات و حکایات متنزه از شی بیشتر و هر چه امر به عکس باشد، عنوانات یادشده کمتر خواهد بود، لذا تزان ماهیات ممکن لازم حقائق وجودیه به ملاحظه محدودیت آن حقائق است، برخلاف عوارض وجودیه از قبل وجود، تشخص، وحدت و غیر آنها، پس عوارض وجودیه حکایات و عنوانات حقائق وجودی است از آن حیث که حقائق وجودی هستند، اما ماهیات حکایات وجود اند، از آن حیث که وجودات محدود به حدالا.

**مسئله پازدهم:** آقایی پس از تقسیم حمل عرضی به حمل بالذات و حمل بالعرض، بدفاع از اصالت وجودی پردازد و در نهایت این بحث، برهانی مخصوص بر بساطت هر هویت وجودی اقامه می کند که از ابتکارات اوست، وی پس از تبیین مقصود از اشتراط استحاله تسلیل و اجرای آن در ماهیت وجود و بیان فرق بین حکم بر یک یک آحاد سلسه بر تهی تفصیل و اجمال به بحث درباره قاعدۀ فرعیه می پردازد و هلیات بسطه را تخصصاً خارج از این قاعده اعلام می کند، و با این متعدد عدم شمول قاعده فرعیه نسبت به وجود را خاطر نشان می سازد، از جمله با تکید بر فرق بین ظرف انقاد قضیه و بین ظرف حکم و تحصیل عقد این مهم را اثبات می کند، آقایی به وضوح نشان می دهد که بنابر اصالت ماهیت و اعتباریت وجود اشکال در هلیات بسطه ولد است.

**مسئله شانزدهم:** بحث تفاوت ارتفاع تقیضین در حمل شایع و حمل اولی از دقیق ترین مباحث این رساله است، آقایی به وضوح اثبات می کند که ارتفاع تقیضین علی الاطلاق من نوع است، حال آن که ارتفاع تقیضین از مرتبه مجاز است، وی برای پاسخگویی به شباهت بحث هلیات بسطه دو اصل تأسیس می کند:

اصل اول: اتصاف چیزی به چیز دیگر در ظرفی از ظروف سه گونه میسر است:  
گونه اول: انضمایی، صفت در آن ظرف، وجودی مغایر وجود موصوف دارد؛ پس صفت به موصوف منضم می شود.

گونه دوم: التزانی، صفت در آن ظرف وجود برأسه و ثبوت مغایر ثبوت موصوف ندارد، بلکه معیار اتصاف این است که موصوف در ظرف اتصاف بچشمی باشد که زمانی که عقل آنرا ملاحظه می کند، مفهوم آن صفت از آن انتزان شود و موصوف از این صفت

حکایت کند و به آن متضف شود، آنچنان که در اضافات و سلیمانی متنزه چنین است.

گونه سوم: اتحادی، صفت با موصوف جز در ظرف تحلیل عقل مبایتی ندارد، مانند حمل ذاتیت اشیاء بر همان اشیاء، حمل وجود بر اشیاء از این قبیل است. وجود با ماهیت متحداً است و از آن متفکر نمی شود، البته وضوح این مطلب بنابر اصالت وجود است، اما بنابر اصالت ماهیت مسئله محتاج توضیح است.

ثبت چیزی برای چیز دیگری، تهاب ثبوت موصوف را در ظرف اتصاف می طلبد، اما مقتضی ثبوت صفت در آن ظرف نیست، اگرچه بعضی صفات به وجودی مغایر وجود موصوف موجودند. مدرس طهرانی در این باره با امیر داماد همداستان است و رأی سید استند را در این زمینه نادرست می شمارد.

اصل دوم: عارض دو گونه است؛ اول، عارض وجود مانند عروض سفیدی بر جسم، کویت برای آسمان در خارج، و کلیت و نوعیت برای انسان، دوم: عارض ماهیت، مانند عروض فصل برای جنس و تشخّص برای نوع، حکیم مؤسس در این زمینه با صدرالمتألهین موافق است و رأی مؤسس حکمت متعالیه را تعمیق کرده بر آن بر این تازه‌ای اقامه کرده است، بویژه بر هان ابتکاری او در اینکه اعراض تابع وجود موضوعاتی خود هستند.

ابتکارات حکیم مؤسس در مسألة حمل از زمان نگارش مورد دعایت و توجه فلاسفه واقع شده است، بی شک پس از رأی تازه صدرالمتألهین در باب تقسیم حمل به شایع صناعی و اولی ذاتی، آراء مدرس طهرانی مهمترین و قوی ترین نظریات ارائه شده در باب حمل در حوزه فلسفه اسلامی است، اهمیت آراء حکیم مؤسس در باب حمل به حدی است که بدون رجوع به این آراء هر بحث در بحث حمل ناقص و ابتر خواهد بود، مادر این مقدمه به اقتضای مقام به گزارش اجمالي از مفاد این رساله شریفه اکتفا کردیم، تحلیل انتقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسس در باب حمل را در کتابی منتشر نهاده ایمان کتابی تحلیل دیگر آراء جدید آقایی مطرح کرده ایم.

##### ۵. تعلیقات الشواهد الربوبیة

«الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية» حاوی خلاصة آراء صدرالمتألهین در حکمت متعالیه است، ملاصدرا این کتاب را بعد از المبدع و المعاد و شرح الهداية الایمیة و

قبل از تعلیقات شرح حکمة الاشراق و مفاتیح الغیب و تعلیقات الهیات الشفاف نوشته است.<sup>۱</sup> صدر المتألهین اثر دیگری نیز به نام «شوادر بوبیه» دارد که در حکم فهرست مطالب فلسفی و ابتکارات ری در حکمت متعالیه می‌باشد<sup>۲</sup>. شوادر اپناید تلخیص اسفار پنداشت. مقایسه محتوای این دو کتاب نشان می‌دهد که نسبت اسفر و الشواهد الربوبیة عموم و خصوص من وجه است. تقریر بسیاری از مسائل در این دو کتاب متفاوت است. در هر یک براهینی خاص بر وهمترین آراء حکمت متعالیه اقامه شده که در دیگری مشاهده نمی‌شود، البته موارد مشترک نیز فراوان است. شوادر شامل پنج مشهد می‌باشد، مشهد اول در امور عامه، مشهد دوم در شناخت واجب الوجود، مشهد سوم در کلیات معاد، مشهد چهارم در معاد جسمانی و بالآخره مشهد پنجم در بیوت و ولایت است. هر مشهدی شامل چند شاهد می‌باشد. مشهد اول، یعنی امور عامه به پنج شاهد تقسیم شده است. شاهد اول عهده دار مباحث عام وجود است. در شاهد دوم احکام وجود ذهنی مطرح شده است. در شاهد سوم با کمال تعجب احکام واجب را مطرح کرده است. حال آن که می‌باشد، این شاهد را کلابه مشهد دوم موکول می‌نمود. در شاهد چهارم دیگر تقاسیم وجود و در شاهد پنجم به احوال ماهیت پرداخته است.

کتاب شوادر از مان تألف مورد عنایت حکیمان متعالیه بوده است. جمعی از اعاظم حکیمان متعالیه بر شواهد تعلیقهای بالرزشی نگاشته‌اند. این حکیمان به ترتیب عبار تنداز: مولی علی نوری (متوفی ۱۲۴۶)، حاج ملاهادی سبزواری (متوفی ۱۲۸۹)، آقامحمد رضا قمشه‌ای (متوفی ۱۳۰۶). از تعلیقات شواهد تها تعلیقات حکیم سبزواری منتشر شده است. آقای امدادی مدرس طهرانی در رساله سرگذشت در ضمن معرفی آثارش نامی از تعلیقات الشواهد به میان نیاورده است. در دیگر آثارش نیز اشاره‌ای به این تعلیقات نکرده است. در اثری عده نیز نامی از این تعلیقات برده نشده است. استاد سید جلال الدین آشتیانی برای تحسین بار به تعلیقات الشواهد آقای امدادی اشاره کرده است: «بر کتاب شواهد، آقامحمد

۱. رجوع کنید به مقدمه محسن پیذرفر بر تفسیر القرآن الکریم.

۲. شوادر بوبیه در مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین به اهتمام حامد ناجی اصفهانی توسط انتشارات حکمت در تهران ۱۳۷۶ منتشر شده است.

رضاقمشه‌ای بطور متفرقه حواشی نوشته است. حواشی او محققانه و عمیق و مملو از تحقیقات عرفانی و فلسفی است. مرحوم آقای اعلیٰ حکیم بر قسمتهای مختلف از مشکلات و عویضات شواهد تعلیقات محققاته نوشته است که در استواری و دقیق و جمع بین تحقیق و تدقیق و از حیث جذابی و سلاست نظر الشواهد الربوبیة است و بر حواشی سبزواری ترجیح دارد. حواشی حاج ملاهادی چون یکنواخت است و بر جمیع مطالب کتاب نوشته شده و مطالب را منظم و مرتب در سلک تحریر در آورده است، ترجیح دادیم که حواشی از را بالین کتاب به طبع برسانیم. حواشی و تعلیقات آقای اعلیٰ و آقامحمد رضا مستقلًا منتشر می‌نماییم و فعلًا از جهاتی امکان انتشار این دو حواشی با تعلیقات سبزواری می‌سر نمی‌باشد». ایشان در پاورقی این مطلب ادامه داده‌اند: «اصولاً مطالبی که از آقای اعلیٰ مدرس باقی مانده است نفیس تر از آثار معاصران اlost مگر در عرفانیات که آقامحمد رضا و آقا میرزا هاشم بر او ترجیح دارند، ولی در فلسفه ملا صدر اشایدی نظر باشد و در برخی از تحقیقات مطالب بی‌سابقه‌ی دارد. در تعلیقات مباحث نفس اسفر و شواهد پاره‌ای از دفاتر نفیس در پیرامون تحقیقات آخوند بیان فرموده است.»<sup>۱</sup>

استاد آشتیانی در کتاب دیگر شان مقدمه رسائل حکیم سبزواری (چاپ اول) در ضمن بحث از تعلیقات شواهد حکیم سبزواری نوشته است: «آقای اعلیٰ حکیم متوفی ۱۳۰۷، بر اسفر و شواهد حواشی نوشته است، حواشی او بر سفر نفس اسفر مفصل تر و بر قسمتهای دیگر از اسفر مختص‌تر می‌باشد، به این معنی که به موارد مخصوصی تعلیقه نوشته است، تعلیقات آقای اعلیٰ متضمن تحقیقات عالیه و مشتمل بر افکار تازه و دقیق است و این خود در بین متاخرین از لریاب تحقیق اختصاص به شخص آقای اعلیٰ مدرس دارد. به عقیده نگارنده آقای اعلیٰ در مباحث فلسفی از حکیم سبزواری دقیق تر و محقق تر و از حیث احاطه، به مبانی حکمی وسیع تر و متبصر تر و از حیث استقامت فکر وجودت نظر وحدت ذهن کم نظر است. آقای اعلیٰ روی خضوع و ملایمت ذاتی که داشته تمام افکار معاصران خود را مطالعه می‌کرده است و خیلی بیشتر از حکیم سبزواری به حوزه‌های تدریس حاضر

۱. مقدمه الشواهد الربوبیة.

شده است و اساتید متعدد دیده است.<sup>۱</sup> در چاپ بعدی این کتاب نویسنده محترم رأی پیشین خود را چنین استدراک کرده است: «حقیر بعد از تدریس چند جلد از کتاب اسفار و شواهد معتقد شد که محقق سبزواری از جهت سرعت انتقال و تحریر معضلات با عباراتی کوتاه و رسابر آقایی ترجیح دارد.» استاد آشتیانی در چاپ اول همین کتاب در آدامه بروئته است: «(تعليقات آقایی بر شواهد شامل مطالب تحقیقی و تازه و نفیس است و با ذوق و قریحة مخصوصی در فهم اخبار و احادیث مربوط به عقاید دینی و مبانی عقلی داشته است که حقیر در دیگران آن قریحه را ندیده‌ام.» استاد در چاپ بعدی در این موضع تذکر داده‌اند: «این مطلب نیز مورد تأمل است و برخی از مطالب آقایی را در آثار آخوند نوری دیدم (۱۳۶۸ه.ش.).»

در تفحص از تعليقات الشواهد مدرس طهرانی تنها یک نسخه بدست آوردم: مجموعه خطی شماره ۵۵۸۸ کتابخانه آیت‌الله مرعشی بجی در قم که حاری مجموعه‌ای از رسائل آقایی است. چهارده ورق اول این مجموعه همان تعليقات الشواهد است که در آغاز آن آمده است: «هذه اشارات الى بعض مقاصد الشواهد الروبية». ورق ۱۵ و ۱۶ این مجموعه سفید است، ورق اول رساله آسیب دیده است لذا چند کلمه صفحه‌اول و دوم به همین علت از میان رفته است. خط رساله خوشخوان نیست. زمان کتابت و نام کاتب مشخص نیست. (ش.)

تعليقات بجانانده شامل دو بخش است: بخش اول تعليقات بر بیست و پنج موضع از شاهد اول از مشهد اول، بخش دوم بحث مستقل و ناتمامی است درباره علم و اجب به ذات خود.

در ملاقات زمستان ۱۳۷۵ با استاد آشتیانی ایشان در کتابخانه خود تعليقات الشواهد را یافته‌نمود، با اینکه با کمال سماحت هر آنچه از نسخ خطی آثار آقایی در اختیار داشتند در اختیار راقم این سطور قرار دادند. از عبارات پیش گفته استاد آشتیانی برمی‌آید که تعليقات الشواهد آقایی بیش از این است که مابدست آورده‌ایم برای نمونه در تعليقات باقیمانده

۱. مقدمة استاد آشتیانی بر رسائل حکیم سبزواری.

تعليقات بر مباحث نفس شواهد بچشم نمی‌خورد. و در آن در زمینه فهم اخبار و احادیث مربوط به عقاید دینی و مبانی عقلی به ندرت بحث شده است.

اما ادلهٔ صحت اتساب تعليقات باقیمانده به آقایی، اولاً: اتساب مجموعه خطی یادشده به آقایی که در ضمن آن رسالت فی التوحید و ربع اول رسالت فی مباحث العمل نیز به چشم می‌خورد، ثانياً: و از آن مهمتر وحدت سیاق این اثر با دیگر آثار وی، و بیز اشتراک آراء مطروح شده در این اثر با دیگر آثار وی است، از آن جمله تعليقة شماره ۱۸ خلاصه نظر وی در باب معاد جسمانی در رسالت سبیل الرشاد است. به هر حال با توجه به قرائت یادشده این تعليقات به احتمال قریب به یقین متعلق به آقایی مدرس است.

تعليقات الشواهد الروبية را پیشتر در بهار ۱۳۷۶ با مقدمه تحلیلی، تصحیح و تحقیق در فصلنامه‌ای مفید قم منتشر کرد و اکنون با اصلاح و مراجعة مجدد در این مجموعه می‌آید. از نکات قابل توجه این تعليقات بحث تطبیقی آقایی بین مباحث الفاظ اصول فقه با مباحث فلسفی در دو مسأله است. مقایسه تعليقات حکیم سبزواری و حکیم طهرانی بر شاهد اول از مشهد اول شواهد نشان می‌دهد که حکیم سبزواری پیشتر در مقام توضیح و تشریح آراء صدرالمتألهین و گاهی شرح عبارات شواهد است، اما همین آقایی مصروف تبیین و تعمیق مبانی حکمت متعالیه و فرات از عبارات شواهد در مقام بیان رأی اجتهادی خود در مسأله مورد بحث است و نگارش به سبک تعليقه تنها بهانه‌ای برای نظم مطالب و احترام به بنیانگذار حکمت متعالیه است. همینکه استاد آشتیانی در مقایسه تعليقات این دو حکم‌الهی تردید کرده است نشان از قوت این تعليقات دارد، هر چند ایشان رأی اخیر خود را به اجمال ارائه کرده، به قرائت و برآهین مختار جدیدشان اشاره نکرده‌اند. ما در تحلیل اشقادی آراء ابتکاری حکیم مؤسسه به تفصیل رأی استاد را مورد بررسی قرار داده، نتیجه مقایسه بین آراء این دو حکیم‌الهی را منعکس کرده‌ایم.

\*\*\*

در این مختصر تنها به بیان گزارش گونه‌رئوس آراء آقایی در این تعليقات اکتفا می‌کیم: در بخش اول این تعليقات شائزه مسأله فلسفی مورد بحث حکیم مؤسسه واقع شده است:

- است و ماهیت در هر دو عوایق فرع می باشد.
- مسئله دوازدهم: وجود اصول است و ماهیت مجعل است. شیخ اشرافی با قول به اعتباریت وجود از یک سو و قول به اینکه، واجب تعالی وجود صرف است پد تناقض مبتلا شده است.
- مسئله سیزدهم: موضوع حکمت الهی وجود است.
- مسئله چهاردهم: تحقیق در عوایض ذاتیه و نسبت بین موضوع مسئله و موضوع علم.
- مسئله پانزدهم: تحقیقی در مورد مقولات عرضی.
- مسئله شانزدهم: تحقیق در نحوه علیت صورت وجود مفارق نسبت به هیولی. در بخش درم علم واجب تعالی به ذات خود مورد تحقیق قرار گرفته است. در این بخش یازده مسئله فلسفی به عنوان تمهید مورد بحث قرار گرفته است:
- اول: علم به معنای تعلق -حضور مجرّد تزدیع مجرّد قائم به ذات است.
  - دوم: علم یا حصولی ارتسامی است یا حضوری اشرافی.
  - سوم: علم مانند سایر عوایض حقائق وجود، عین وجود است. وجود بذاته علم و معلوم می باشد. علم مانند وجود، حقیقت واحد بسیط ذهن را است.
  - چهارم: هر چه وجود تمامتر باشد، جهت علمیت و عالمیت در آن اقوی است، لذا علم خداوند صرف، تام و فوق تمام می باشد.
  - پنجم: اشیاء دوله و وجود دارند: خارجی و ذهنی، بین نفس مدنیک و اشیاء غایب موجود در خارج (مدرک) علاقه ذاتیه برقرار است.
  - ششم: هر عاقل و هر معقولی، عاقل بذاته و معقول بذاته است.
  - هفتم: هر معلوم بذاته، معلوم بد علم حضوری اشرافی است.
  - هشتم: علم نفس به ذات خود علم حضوری است. علم حضوری تنها به نحو کلیت و اشتراک می باشد. ضمیمه شدن کلی به کلی موجب جزئیت و تشخض نمی شود. نفس، ذات خود را به نحو جزئیت و تشخض ادراک می کند.
  - نهم: علم نفس به قوای ادراکی، صور ادراکی و قوای طبیعتی، علم حضوری اشرافی

- مسئله اول: بد اهت تصدیقی وجود، با تحلیل حمل وجود بر ماهیت به امری می رسم که جهت ذاتیش همان تحقق و منشایک اثر می باشد، چنین امری همان حقیقت وجود است.
- مسئله دوم: وجود فاقد تعریف است. آقایی با سه برهان (ایا به بیان دیگر با سه تبیه) اثبات می کند که نمی توان وجود را تعریف کرد. لذا ادراک وجود جز باعلم حضوری میسر نیست.
- مسئله سوم: حقیقت وجود نه کلی است نه جزئی، نه عام است نه خاص، این صفات عوارض مفهومند و اتصاف وجود به آنها مجازی و به عرض ماهیت است.
- مسئله چهارم: حقیقت وجود امری بسیط است و چه عقلی یعنی جنس و فصل ندارد.
- مسئله پنجم: وجود نه جنس است نه نوع، در ذیل این مسئله آقایی کوشیده است واقعیت نزع اصالت وجود و اصالت ماهیت را با طرح يك سؤال بررسی کند: آیا این نزع لفظی است یا حقیقتی؟
- مسئله ششم: آیا در واقع وجود و موجود منحصر در حق تعالی است؟ پد عبارت دیگر نحوه شمول وجود نسبت به اشیاء چگونه است؟ قول صوفیه و قول مشهور فلاسفه مورد نقد قرار گرفته و مختار حکمت متعالیه در مسئله تقریر می شود.
- مسئله هفتم: هر کمالی که برای موجود از حیث وجودش اثبات می شود، برای تمامی موجودات مأفوخر شایست. وجود در هر موجودی عین صفات کمالیه آن است.
- مسئله هشتم: بین وجود و ماهیت تلازم عقلی برقرار است. ماهیت به عرض وجود موجود است. این تلازم، نه تلازم بین علم تامه و معلوم آن است، نه تلازم موجود بین هیولی و صورت، بلکه تلازم بین مجعل بالذات و مجعل بالتابع و منحصر در وجود و لوازم ذاتی آن می باشد.
- مسئله نهم: وجود فی حد ذاته نه جوهر است نه عرض.
- مسئله دهم: امتیاز بین موجودات به چیست؟ در این مسئله سه نوع امتیاز یعنی امتیاز به مرتبه، امتیاز موجودات هم مرتبه و امتیاز افراد هم ماهیت و ارتباط این سه نحوه امتیاز با حقیقت وجود مورد بحث قرار گرفته است.
- مسئله یازدهم: نحوه اتصاف ماهیت به وجود. وجود چه در خارج، چه در ذهن اصل

است، یعنی علم و معلوم متعدد ذاتی و متغیر اعتباری هستند.  
دهم: علم برخلاف توهم برخی منحصر در ارتسام صورت شیء در قوّهٔ مدلر که، و  
قبول صور توسط قوّهٔ مدلر که نیست. اکشاف معلول لزد علت نامد اش آن‌جاه حصول  
شیء برای شیء دیگر است. خداوند بعساویش علم حضوری اشراقی دارد.  
یازدهم: هر مجرد قائم به ذات، عاقل ذات خود است و عقل او نسبت به ذات عین ذات  
است. قول مشهور دال بر اینکه «هر مجردی عاقل ذات خود است» تمام نیست.

#### ۶. تعلیقات علی شرح الهدایة الائیریة

ائیر الدین مفضل بن عمر ابهری (متوفی حدود ۶۹۳) کتابی دارد به نام «هدایة  
الحكمة». هدایة الحکمة شامل سه قسم است: متعلق، طبیعتیات و الهیات. این کتاب از زمان  
تألیف موردن عنایت متكلمان و حکیمان مسلمان واقع شده است و بر آن شروح متعددی  
نوشته شده که مهمترین آنها شرح قاضی کمال الدین میرحسین بن معین الدین مبتدی  
حسینی (متوفی ۹۱۱) مشهور به شرح مبتدی (تاریخ کتابت ۸۸۰) و شرح صدرالمتألهین  
محمدبن ابراهیم شیرازی (متوفی ۱۰۵۰) است. شرح الهدایة الائیریة دو مین تألیف  
ملا صدر است. (نخستین تألیفی المبدئ و المعاد است)، این شرح تنها بر طبیعتیات و  
الهیات هدایة اائیریه است، بر هر دو شرح هدایه حواشی فراوانی نوشته شده است، لازم به  
ذکر است که در حوزه‌های عقلی هندوستان («شرح هدایة الحکمة») مشهور ترین اثر  
صدرالمتألهین است، تآنجا که هر گاه نام «صدر» برده می‌شود مقصود صدرالمتألهین  
نیست، بلکه مراد همان «شرح هدایه» است. مهمترین حواشی شرح الهدایة الائیریه  
صدرالمتألهین به ترتیب تاریخ عبار تنداز:

- ۱- «الحاشیة علی شرح هدایة الحکمة الشیرازی» به قلم مولی محمد امجد فیض اللہ  
صدیقی فتوحی (متوفی ۱۱۴۰).
- ۲- «الحاشیة علی الصدر» به قلم ملا ظاظم الدین بن قطب الدین سهالوی  
(متوفی ۱۱۶۱)
- ۳- «الحاشیة علی الصدر» به قلم ملا حسن بن قاضی غلام مصطفی لکھوی

(متوفی ۱۱۹۸).

۴- «الحاشیة علی الصدر» به قلم مولی محمد اعلم بن محمد  
شاکر سنديلی (از شاگردان کمال الدین سهالوی) متوفی ۱۲۵۰.

۵- «الحاشیة علی الصدر» به قلم عماد الدین عثمانی بکنی (قرن سیزدهم).

۶- «الحاشیة علی الصدر» به قلم عبدالعلی بن محمد ظاظم الدین بحر العلوم، تاریخ  
اتمام حاشیه ۱۲۴۲.

۷- «الحاشیة علی شرح الهدایة» به قلم سید دلدار علی بن محمد معین نقوی  
نصیر آبادی لکھوی (متوفی ۱۲۳۵).

۸- «الحاشیة سید حسین بن دلدار علی نقوی لکھوی (متوفی ۱۲۷۳).

۹- «الحاشیة سید محمد تقی بن حسین بن دلدار علی نقوی لکھوی (متوفی ۱۲۸۹).

۱۰- «الحاشیة سید حیدر علی هندی» (متوفی ۱۳۰۲) شاگرد سید حسین بن دلدار علی.

۱۱- «الحاشیة میرزا محمد حسن نوری فرزند ملا علی نوری، استاد آقا علی مدرس  
طهرانی.

۱۲- «الحاشیة محمد هادی حسینی

۱۳- «الحاشیة میرزا ابوالحسن چلوه» (متوفی ۱۳۱۴).

وبالآخره تعلیقات آقا علی مدرس طهرانی، آقا علی به خط خود بر شرح الهدایة  
الائیریه به خط پدرش ملا عبد الله مدرس زنوزی حاشیه زده است. این نسخه اصل به شماره  
۱۸۷۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، این تعلیقات فاقد تاریخ  
کتابت است. حکیم مؤسس بر فن اول طبیعتیات شرح هدایه یعنی سماع طبیعی، ۹۴ تعلیقه  
نگاشته است. این تعلیقات متعلق به فصل دوم ذرایبات هیوی است و تنها تعلیقه آخر  
شروع بوط به فصل سوم در عدم تفرد صورت جسمیه از هیوی می‌باشد.

شرح الهدایة الائیریه در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در تهران، به خط میرزا

۱- رجوع کنید به مقاله ملا صدر ابرهندوستان در کتاب معارف اسلامی در جهان معاصر نوشته دکتر سید حسین نصر، و  
الفربیعه ۶.

عبدالکریم شیرازی و به اهتمام شیخ احمد شیرازی همراه با حواشی میرزا حسن نوری، محمدهدایی حسینی، آقای علی مدرس و میرزا ابوالحسن جلوه به شیوه چاپ سنگی منتشر شده است. تعلیقات آقای علی در فاصله صفحات ۱۴ تا ۵۵ چاپ سنگی هدایه درج شده است. لازم به ذکر است که حدود ۱۰٪ تعلیقات آقای علی در چاپ سنگی از قلم افتداده است. در «تعلیقات علی شرح الهدایة الایریة» دوبار از یکی آثار مهمش که متأسفانه ظاهراً بدمان مان رسیده بنام «اصول الحكم فی شرح اثولوجیا» عبارتی را نقل کرده است. از مزایای قابل ذکر این تعلیقات تحلیل انتقادی حکیم مؤسس از براهین متعدد اثبات هیولی و ژرف اندیشه در احکام آن است. مسئله‌ای که در دیگر آثارش کمتر فرصت بحث از آن را یافته است.

#### ۷. تعلیقات علی حواشی الهیات الشفا

کتاب شفاء بزرگترین و معترضین دائرۃ المعارف فلسفۃ مشاء در جهان اسلام به حساب می‌آید. الهیات شفاء یکی از دو اثر بزرگ ابن سینا و در زمرة پنج کتاب طراز اول فلسفۃ اسلامی شمرده می‌شود. الهیات شفا حاوی ده مقاله در امور عامه و الهیات بالمعنى الاخص است. صدرالمتألهین شیرازی در دهه آخر عمر مبارکش تا اواسط مقاله ششم (در علت و معلول) حواشی ارزنده‌ای بر الهیات شفانگاشته، که حاوی آخرین تحقیقات و عمیق ترین تأملات حکمت متعالیه می‌باشد. اگرچه بر الهیات شفا بسیاری از حکما حاشیه‌زده‌اند، اما تعلیقه بر حواشی ملاصدرا بر الهیات شفا کمتر مشاهده شده است. حکیم مؤسس بر این حواشی ۱۷ تعلیقه بهزشنای تحریر در آورده است، ۱۶ تعلیقه بر حواشی مقاله اول در مبادی حکمت و کلیات مباحث وجود و یک تعلیقه بر حواشی مقاله دوم در چواهر جسمانیه.

این تعلیقات در عین اختصار حاوی تأملات فلسفی و نکته‌سنگی‌های عقلی سه حکیم بزرگ جهان اسلام یعنی شیخ الرئیس، صدرالمتألهین و حکیم مؤسس است که هر یک بر آراء قبلی نکته‌ای افزوده و مسئله‌ای جدید طرح کرده است. آقای علی در این تعلیقات گاهی به دفاع از ابن سینا آراء ملاصدرا اتفاق دارد، به ویژه در موضعی حواشی آقاجمال خوانساری بر الهیات شفارا که در زمرة دقیق ترین حواشی الهیات شفاست. مورد انتقاد قرار

داده است. افسوس که آقای علی توفیق ادامه این تعلیقات بالرژش را یافته است.

از این تعلیقات نسخه اصلی بد خط آقای علی مدرس طهرانی و با مضای مالوف ۱۱۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۷۷۹ به جامانده است. این تعلیقات فاقد تاریخ کتابت است.

#### ۸. تعلیقات علی حواشی شرح حکمة الاشراق

کتاب حکمة الاشراق مهمترین اثر شهاب الدین یحیی بن حبیش سهروردی (متوفی ۵۸۷) و یکی از پنج اثر بزرگ فلسفۃ اسلامی است. در میان شروح متعدد حکمة الاشراق شرح‌جهای شهرزوری، علامه حلی و قطب الدین شیرازی یاد کردندی است. امام‌همترین شرح حکمة الاشراق، شرح قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی (متوفی ۷۱۰) است که از دیرباز کتاب درسی فلسفۃ اشراق در حوزه‌های علمیه بوده است. صدرالمتألهین شیرازی بر این شرح حواشی قیمه‌ای نوشتند است که حاوی تقادی‌های ظریف نسبت به آراء شیخ اشراق است. آقای علی مدرس طهرانی نیز بر حواشی ملاصدرا ۲۹ تعلیقه نگاشته است. تمامی این تعلیقات متعلق به فصل سوم از مقاله‌سوم قسم اول «فی ضوابط الفکر» حکمة الاشراق است. عنوان مقاله‌سوم: مغالطات و حکومت بین آراء اشراقیون و مشاییان است. فصل سوم به بیان آراء خاص اشراقیون اختصاص دارد. آقای علی در این تعلیقات مختصر به بررسی تأم آراء سهروردی، قطب الدین شیرازی و صدرالمتألهین درباره مسئله هیولی، رابطه هیولی و مقدار، صورت نوعیه، نحوه ترکیب بین ماده و صورت، مسئله اعراض، اعتبارات عقلیه، وجود، ماهیت و خذت، مثل افلاطونی و قاعده امکان اشراف برداخته است. تعارض علمی حکمت اشراق و حکومت متعالیه به ویژه نکته سنجه‌های حکیم مؤسس نمونه‌ای هرچند مختصر از ژرف اندیشه‌های حکیمان مسلمان بددست داده است.

نسخه خطی این تعلیقات بالرژش بد خط آقای علی و با مضای مالوف ۱۱۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۷۶۷ نگهداری می‌شود. این تعلیقات فاقد تاریخ کتابت است. (م)

#### ۹. تعلیقات شوارق الالهام

تجزید کلام یا تجزید الاعتقاد خواجه نصیر الدین طوسی (متوفی ۶۷۲) از مهمترین کتب کلام اسلامی و نقطه عطفی در علم کلام به شمار می‌رود. بر هیچ کتابی ذر فلسفه و کلام به اداره تجزید شرح و حاشیه نوشته نشده است. از میان شروح متعدد تجزید، سه شرح از بقیه مهمتر است: کشف المراد فی شرح تجزید الاعتقاد نوشته علامه حلی (متوفی ۷۲۶)، شرح تجزید العقاید علامه الدین قوشچی (متوفی ۸۷۹) و شوارق الالهام فی شرح تجزید کلام نوشته ولی عبدالرزاق بن علی بن حسین فیاض لاهیجی (متوفی ۱۰۵۱) یا ۱۰۷۲) شاگرد و داماد ملا صدر. لازم به ذکر است که فیاض لاهیجی شرح دیگری هم بر تجزید دارد بنام «مشارق الالهام».<sup>۱</sup> بهر حال قوی ترین شرح فلسفی تجزید، شوارق الالهام است، که شرح امور عامه، جواهر و اعراض و روبیيات تجزید تا اواسط علم الهی را شامل می‌شود. شوارق الالهام را تحقیقاً می‌توان یکی از ده کتاب برتر حوزه فلسفه و کلام اسلامی دانست. این کتاب از زمان نگارش مورد عنایت ویژه حوزه‌های عقلی بوزیر حکیمان متعالیه بوده است. از یک سو کتاب درسی سطوح عالی کلام بوده و از سوی دیگر بسیاری از بزرگان حکمت متعالیه بر آن حاشیه زده‌اند. مهمترین حاشیه شوارق، حاشیه ملا اسماعیل بن سعید درب کوشکی اصفهانی (متوفی ۱۲۴۳) است. از دیگر حواشی شوارق حواشی ملاعلی نوری، میرزا حسن نوری، ملام محمدعلی نوری، ملامعبدالله مدرس زلوزی، ملام احمد بن ابراهیم لرد کانی شیرازی، ملام محمد جعفر لاهیجی لنگرودی، ملام محمدحسین کرمانی، و شیخ علی نوری ذکر کردندی است.

آقای مدرس طهرانی نیز ۳۹۸ تعلیقه بر شوارق نگاشته است. این تعلیقات کلار مقدمه و مقصد اول در امور عامه، فصل اول در وجود عدم، فصل دوم در احکام ماهیت و فضل سوم در بحث علت و معلول تامسیله ششم در احوال علت غایی نوشته شده است. تعلیقات شوارق پس از تعلیقات الاسفار و بداع الحکم مفصل ترین اثر بجامانده آقایی است و پس از بداع، تعلیقات الاسفار و رسائل سبیل الرشاد، وجود رابط، مباحث الحمل،

<sup>۱</sup>. رجوع کنید به المزیده.

مهتمرن اثر حکیم مؤسس است. این تعلیقات حاوی مهتمرن مباحث امور عامه است. مباحثی که آقایی در این تعلیقات مطرح کرده، در دیگر آثار وی کمتر مطرح شده است. بی‌شک مهتمرن اثر بجامانده آقایی در بحث امور عامه، تعلیقات شوارق وی است. مهتمرن عنوانین مسائلی که در این تعلیقات مورد بحث قرار گرفته عبارت است از: بدایت وجود، اشتراک وجود، زیادت وجود بر ماهیت، وجود ذهنی، اصالت وجود، وجود مطلق و مقید، معقولات ثانیه، تمایز اعدام، مفاد ثلاث، و بیویه اعتباری بودن آنها، تقسیم مواد به بالذات و بالغیر، وجه نیاز به علت، قدم و حدوث، خواص و اجب، اقسام امکان، مباحث حمل، امتناع اعاده معدوم، اعتبارات ماهیت، اجزاء ماهیت، تشخض ماهیت، وحدت و کرت، اقسام و احکام علت، احکام علت تامه، احوال فاعل و احوال علت غایی.

نکته‌ای که بر ارزش این تعلیقات می‌افزاید، تقدیهای حکیم مؤسس بر دیگر محسین شوارق بوزیر جناب ملا اسماعیل است، که آقایی از او با تعابیر احترام آمیزی همچون «الحکم البارع المتالله عظیم الله تقدیسه» یا «الحکیم البارع المحقق رفع الله تقدیسه» یاد کرده است. لازم به ذکر است که آقایی در تعلیقات اسفرارش (ص ۵۳۴) به تعلیقات شوارق خود استناد کرده است. مشخصات نسخه خطی تعلیقات الشوارق به این شرح است: حواشی خطی بر شوارق چاپ سنگی تهران، ۱۲۹۹ ه.ق. طبع عبدالحسین بن آخوند ملام محمدعلی خراسانی، خط متن از محمدحسن، در این چاپ سنگی حواشی ملا اسماعیل اصفهانی نیز به چشم می‌خورد. کاتب حواشی آقایی مدرس و تاریخ کتابت آن مشخص نیست. از این که بعد از نام آقایی دامت افاضه‌آمده است، معلوم می‌شود تاریخ کتابت آن بین ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۷ است. این نسخه متعلق به کتابخانه شخصی فاضل محترم آقای حسن شفیعیان در قم می‌باشد. (ش)

اما کاملتر از نسخه خطی فوق الذکر یکی از چاپ‌های سنگی شوارق با مشخصات ذیل است:

شوارق الالهام چاپ سنگی تهران، ۱۳۱۱ ه.ق. طبع حاج رضا کتابفروش، ۲۳۹ صفحه، خط متن از محمدنتی به تاریخ ۱۳۰۷، خط حواشی از احمد بن حسین التفرشی الطاوی الرازی به تاریخ ربیع المولود ۱۳۰۷.

حکیم مؤسس در زمان کتابت تعلیقات صفحه ۵۴ از دیار فتد است. در این سخن علاوه بر تعلیقات آقاعلی، تعلیقات شیخ علی نوری (شاگرد آقاعلی) با مضای ۱۱۰ (که نباید اینگونه تعلیقات را از آن آقاعلی مدرس دانست)، ملام محمد اسماعیل اصفهانی، ملام احمد داردکانی، ملاعلی نوری، ملاعبدالله نوزی، ملام محمد علی نوری، ملام محمد حسین کرمانی، عبدالحکیم و ملا اوایله بیز به چشم می‌خورد. (ن) ضمناً شیخ علی نوری برخی آراء آقاعلی را به نقل از استاد خود، حکیم مؤسس نقل کرده است، که این موارد را نیز در چای خود آورده ایم.

۱۰. تعلیقات علی حواشی الفیاض علی شرح الاشارات  
التبیهات والاشارات از مهمترین آثار ابن سینا و یکی از پنج کتاب اصلی فلسفهٔ اسلامی است. مهمترین شرح اشارات، شرح خواجه نصیر الدین طوسی است. بر شرح اشارات حواشی متعددی نوشته شده است. از جمله این حواشی، حواشی خاتون آبادی (م ۱۱۱۶)، مولا محمد باقر سبزواری (م ۱۰۹۰)، آقاممال الدین محمد خواساری (م ۱۰۹۹)، قاضی سعید قمی و غیاث الدین منصور دشتکی (م ۹۴۸) قابل ذکر است.<sup>۱</sup>

یکی از حواشی شرح اشارات حاشیه مولی عبدالرازاق بن علی بن حسین فیاض لاهیجی (متوفی ۱۰۵۱ یا ۱۰۷۲) است. شیخ آقابزرگ از صاحب‌ریاض نقل کرده که این حاشیه به پایان نرسیده است.<sup>۲</sup> آقاعلی بر حواشی نعط اول (فی تجوهر الاجسام) تعلیقهٔ مختصر نگاشته است و در آن آراء شیخ الرئیس، خواجه طوسی و فیاض لاهیجی را مورد بررسی و نقده‌دارد. تاریخ کتابت این تعلیقات ۱۲۸۷ هجری است. مشخصات نسخهٔ خطی این تعلیقات به این قرار است: نسخهٔ خطی شماره ۱۷۲۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به خط آقاعلی ربا مضای مالوف.

۱. رجوع کنید به الفربیة.  
۲. التربیة.

۱۱. تعلیقات علی حواشی الزنوی علی حواشی الفیاض علی شرح القوشیجی  
یکی از مهمترین شروح تجرید، شرح علام الدین علی بن محمد قوشیجی (متوفی ۸۷۹) است که از کتب درسی بعضی حوزه‌های عقلی به حساب می‌آید. بر این شرح حواشی متعددی نوشته شده است که مهمترین آنها حواشی محقق خفری است. از جمله این حواشی حاشیه ملاعبدالرازق بن علی بن حسین فیاض لاهیجی است که شیخ آقابزرگ در از زیرعذار آن یاد کرده است. پدر داشتمند آقاعلی، ملاعبدالله مدرس زنوزی بر حواشی فیاض لاهیجی حاشیه زده است. آقاعلی مدرس طهرانی در سه مورد بر حواشی پدرش تعلیقه نگاشته و آراء وی را مورد نقده قرار داده است، این تعلیقات مختصر در مسئله اول و هفتم از مقصود ثانی تجرید یعنی در بحث جواهر و اعراض است.

مشخصات نسخهٔ خطی این تعلیقات مختصر به این شرح است: نسخهٔ خطی شماره ۱۷۲۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به خط ملاعبدالله مدرس زنوزی، حواشی به خط آقاعلی ربا مضای (علی عفی عنده و عن والیه) تاریخ کتابت مشخص نیست.

## ۱۲. تعلیقات لمعات الهیه

لمعات الهیه مهمترین اثر ملاعبدالله مدرس زنوزی (متوفی ۱۲۵۷) و یکی از مهمترین آثار فلسفی به زبان فارسی است، لمعات مشتمل بر مسائل الهیات بالمعنى الاخسن، اثبات مبدء وجود، صفات کمالیه او، کیفیت صدور گفت از واحد حقیقی، مسائل علم الهی و دیگر مسائل ربویه در بیست فصل است، آقاعلی همواره از آراء پدرش به نام «والدی العلامه» با کرام و احترام یاد می‌کند، به آنها استناد می‌کند در تعمیق آنها می‌کوشد و گاهی لیز مؤدبانه آنها نقده می‌کند. آقاعلی در تنها تعلیقة فارسیش، بر کتاب پدرش در ۲۸ مورد تعلیقه مختصر نگاشته است (تافصل ۱۲). موضوع این تعلیقات: اثبات وجود واجب تعالی، اثبات عینیت وجود در واجب، امتناع علم به کنه ذات واجب، توحید واجب و علم واجب است. آقاعلی در دیگر آثار خود پویژه در بدایع الحکم فراوان به آراء پدرش در لمعات استناد کرده است.

مشخصات نسخهٔ خطی: نسخهٔ شماره ۱۹۴۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

به رأى شیخ الرئیس اعتراض کرده است: «علی صاحب هذا الاعتقاد ماعلیه، لمافیه من المخالفۃ الظاهرۃ لاما علم من الشريعة المقدسة».

آقایی مدرس طهرانی در تعلیقه‌ای در حدود یک صفحه با تبیین رأی شیخ بامتنانت از نظر او دفاع کرده به شیوه‌ای مبنای به اینگونه اعتراضات سبب به اکابر علماء مذهب پاسخ داده است.

مشخصات نسخه خطی ابن تعلیقه به این شرح است: نسخه خطی شماره ۱۹۶۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به خط آقایی و فاقد تاریخ کتابت.

\*\*\*

در باره شیوه تصحیح، محدودیت تحقیق و کارهای انجام گرفته، در مقدمه مجموعه (جلد اول) به تفصیل سخن گفته شد. در بخش تعلیقات آقایی، آثاری که حکیم مؤسس بر آنها تعلیق زده است، در صورتی که ناکنون به زبور طبع آراسته نشده، یا اگر هم چاپ شده، به شیوه چاپ سنگی و نایاب است، موارد لازم در فهم تعلیقات رادر پاروی نقش کردیم، اما با توجه به در دسترس بودن آثار صدرالمتألهین، شوارق و لمعات از نقل کامل مواضع مورد بحث صرف نظر شد و تهانی دقيق موضعی که تعلیقه بر آن نوشته شده مشخص کردیم. همچنانکه گذشت در این مقدمه تهابه تحلیل اجمالی محتوای رسائل و تعلیقات بسته کردیم. تحلیل تفصیلی آراء حکیم مؤسس رادر کتابی مستقل آورده ایم که پس از انتشار مجلدات سه گانه مجموعه مصنفات حکیم مؤسس تقدیم طالبان حکمت متعالیه خواهد شد.

در تدوین، تصحیح و تحقیق این جلد نیز لزیارتی برخی برخوردار بوده‌ام که از همه آنها صدمیمانه سپاسگزارم. از همه اساتید، صاحب‌نظران، دوستداران فلسفه اسلامی و خوانندگان بافضلیت در خواست می‌شد تا با تذکر کاستی‌ها و نواقص و نقد تصحیح، تدوین و تحقیق این جلد به غنای مجموعه مصنفات حکیم مؤسس آقایی مدرس طهرانی بیفزایند، و آخر دعوا ان الحمد لله رب العالمين.

تهران، بهمن ۱۳۷۷

متن لمعات الهیه، به خط ملا عبد‌الله مدرس زنوزی، حواشی به خط آقایی، بالاضای «علی الطهرانی المدرس، علی عفی عنہ، علی الطهرانی عفی عنہ، ۱۱۰ الطهرانی عفی عنہ»، ۱۱۰ عفی عنہ» تاریخ کتابت حواشی مشخص نیست.

استاد سید جلال الدین آشتیانی در نخستین چاپ مصحح لمعات الهیه (مشهد، ۱۳۵۴ ه.ش) با استناد به نسخه یادشده تعلیقات آقایی رادر پاروی متن لمعات آورده‌اند. در کتاب حاضر متن تعلیقات با نسخه اصل تطبیق شده، بعضی اغلاط مطبعی نخستین چاپ آن تصحیح شده، یکی ذو تعلیقه از قلم افتاده اضافه شده، متن تعلیقات مورد تحقیق قرار گرفته است.

۱۱۳. تعلیقة علی الحواشی الجمالية علی الحواشی الخفریه مهمترین حاشیه بر شرح تجربه العقاید علاء الدین علی قوشچی، حاشیه شمس الدین محمد بن احمد خفری (متوفی ۹۴۲ یا ۹۵۷) شاگرد صدر الدین دشتکی، مشهور به حاشیه خفریه است. بر حاشیه محقق خفری حواشی متعددی نوشته شده است، از جمله حاشیه آقامجال الدین محمد خوانساری (متوفی ۱۱۲۵) از مهمترین این حواشی است. آقامجال در این حاشیه حلوث دهری میرداماد را به عبارت ذیل مورد مناقشه قرار داده است: «فَلَعْلَهِ يَحْتَاجُ إِلَى لَطْفٍ قَرِيبَةٍ لِمَ يَكُونُ لَنَا»، آقایی مدرس طهرانی در تعلیقه واحده ای ضمن ذکر کلام دیگری از میرداماد، اشکال محقق خوانساری را به اختصار پاسخ داده است. مشخصات نسخه خطی ابن تعلیقه به این شرح است: نسخه شماره ۱۷۲۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تعلیقه به خط آقایی بالاضای مألوف ۱۱۰، فاقد تاریخ کتابت و شماره صفحه.

۱۱۴. تعلیقة علی حاشیة رسالة سر القادر شیخ الرئیس ابن سینا رساله‌ای مختصر اما پر معنی دارد به نام «سر القدر عن معنی قول الصوفیة من عرف سر القدر فقد الدحد» در حاشیة این رساله سینوی در ذیل عبارت «ولا یجوز ان یکون الثواب والعقاب على ما یظنه المتكلمون» فردی به اضای مجھول (عل)